



حُجَّتُ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ دُكْتُرُحُسَيْنِ سُوْرِنَجِي



مَحَلَّاتِ  
مَدَخَلِ بَرَايِ  
كُنَشْكَرِي زَن  
دَسَلَاهِمِ



تقریر بیانات

حُجَّتِ الْاِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ دُكْتَرُ حُسَيْنِ سُوْرَنَجِي

هِيَاَتِ مِيثَاقِ بَا شُهَدَا | اِفْطَمِيَّةِ اَوَّلِ | ۱۲ اِلَى ۱۵ اَذْرَمَآه ۱۴۰۱

# فهرست

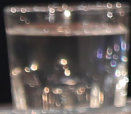
۵	جلسه اول
۶	تبيين کلی موضوع
۷	مقدمه اول: تأثیر شرایط خاص بر اهمیت مسائل
۷	مثال تنباکو
۸	تطبيق مسئله حجاب
۹	حجاب، حکم ضروری و قطعی اسلام
۱۰	دلایل اهمیت حجاب در شرایط خاص امروز
۱۰	مسئله هویتی، دلیل اول: حجاب، یک نماد
۱۷	حجاب و کنشگری زن
۱۷	مقدمه دوم: راهکارهای شریعت برای تعلیم ساده و عمیق
۱۸	مثالی برای فهم صحیح قواعد کلی
۱۸	حدیث حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> : بیان قاعده عدم اختلاط زن و مرد، نه پرده نشینی زن
۱۹	حجاب، یعنی جدی بودن حضور زن در جامعه
۱۳	جلسه دوم
۲۴	مقدمه و مروری بر مباحث گذشته
۲۵	عامل اول هویتی: حجاب، نماد تصویری
۲۶	عامل دوم هویتی: فینیسیم
۲۶	فینیسیم، جریانی مردسالار
۲۷	مردآفرینی، نقش غیرمستقیم زن

۲۸	نقش مستقیم زن در جامعه
۳۰	به جای دفاع از حجاب، با حجاب، حمله کنید
۳۱	الگوی اسلام برای کنشگری زن
۳۳	قانون، بدون اجبار
۳۳	جمع بندی دو دلیل هویتی
۳۳	عامل سوم هویتی: انقلاب جنسی
۳۴	فرهنگ جهانی پوشش تا قبل از انقلاب جنسی
۳۵	مقابله مسلمین با انقلاب جنسی
۳۵	حجاب، پشتوانه حیا
۳۶	عامل چهارم هویتی: سرمایه جنسی
۳۶	ورود ادبیات سرمایه جنسی در غرب
۳۷	معنای سرمایه جنسی
۴۱	<b>جلسه سوم</b>
۴۲	مقدمه: امتحان الهی و بار امانت
۴۳	مروری بر جلسات گذشته
۴۴	عصر نمادهای تصویری
۴۵	فینیسیم و کنشگری زن
۴۶	حجاب از منظر عرفان اسلامی
۴۷	عمل به دستور خدا، فناء فی الله
۵۱	نظام سرمایه داری
۵۳	ارزشمندی سرمایه در نظام سرمایه داری و بی ارزش شدن انسان
۵۶	سرمایه جنسی
۵۷	نهی از منکر در فضای کرامت
۵۹	مقابله حجاب با دو الگوی غربی
۶۲	<b>جلسه چهارم</b>
۶۴	مروری بر مباحث گذشته
۶۷	حجاب اجباری یا قانونی؟
۶۸	اقتصاد، عرصه قوانین غیر کیفری
۶۸	قیمت گذاری در فقه
۷۰	حجاب، قانون مدنی
۷۰	مجازات کیفری برای سه گروه خاص
۷۲	فرهنگ سازی قوانین مدنی
۷۳	امر به معروف و نهی از منکر
۷۳	امر به معروف صحیح
۷۵	وظیفه ستاد امر به معروف و نهی از منکر





| جَلِيسَةُ اَوَّلٍ |



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ • وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ  
وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ • السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مُتَحَنَنَةً اُمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ • فَوَجَدَكَ  
لَمَّا اُمْتَحَنَكَ صَابِرَةً • وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءَ وَمُصَدِّقُونَ • وَصَابِرُونَ لِكُلِّ  
مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ • وَآتَى بِهِ وَصِيَّهُ

### • تبیین کلی موضوع

موضوعی که دوستان هیئت میثاق مطرح کردند که در این چندشب بحث کنیم؛ کلیت آن، بحث نقش بانوان در جامعه و جایگاه بانوان در مسیر تمدنی اسلام بود. با توجه به جریاناتی که در دو الی سه ماه اخیر رخ داده، من به نظرم رسید موضوع را ناظر به بحث حجاب، کمی خاص تر کنم. متأسفانه وضعیت به گونه ای شده که در بحث حجاب همه دارند سکوت می کنند. به نظرم این سکوت را باید شکست. باید حرف ها را زد. برخی زوایای مسئله را باز کردتا ببینیم واقعا دعوا بر سر چیست. من دو مقدمه در ابتدای بحث عرض می کنم.

به نظرم می رسد مسئله حجاب هنوز که هنوز است درست فهم نشده و خیلی از چالش هایی که داریم هم در موافقان هم مخالفان برمی گردد به اینکه صورت مسئله درست فهم نمی شود. وقتی صورت مسئله درست فهم نمی شود اجرای آن با چالش مواجه می شود. برخوردها

با چالش مواجه می‌شود و عوارضی دارد که امروز هم مقداری با آن عوارض مواجه هستیم. بحث حجاب را هم اتفاقاً من از همین زاویه کنشگری زن می‌خواهم مطرح کنم. متأسفانه یکی از اشتباهاتی که ما کرده ایم در طول لاقبل این چند دهه مسئله حجاب را بیشتر از زاویه آقایان مطرح کرده‌ایم. در حالی که مسئله حجاب در درجه اول از زاویه خود خانم‌ها باید مطرح بشود. دوستانی که کتاب مسئله حجاب شهید مطهری رحمته‌الله را خوانده باشند؛ ایشان اولین فلسفه حجاب را بالابردن ارزش زن می‌دانند. بحث تحکیم خانواده و حفظ جامعه و... همه بعد از این هاست. بالابردن ارزش زن یعنی چه؟ مسئله چه تصویری دارد؟ من قبل از اینکه وارد خود بحث حجاب بشوم می‌خواهم دو مقدمه مطرح کنم.

### ❖ مقدمه اول: تأثیر شرایط خاص بر اهمیت مسائل

مقدمه اول که به شدت در فهم صورت مسئله موثر است و به نظر می‌رسد خیلی از نزاع‌هایی که دارد اتفاق می‌افتد به دلیل غفلت از این مقدمه است؛ این است که خیلی از مسائل هستند که به خودی خود اگر تنها آن را نگاه کنی و بخواهی به آن نمره بدهی یک جایگاهی پیدا می‌کند؛ در شرایط خاص زمانی و مکانی یک جایگاه دیگری پیدا می‌کند. این خیلی مهم است. در منظومه تعالیم دین، یک نکته بسیار مهم این است. خیلی از مسائل یک نمره به خودی خود دارند و یک نمره هم در شرایط خاص.

### ❖ مثال تنباکو

مثلاً به نظر شما در دین، اهمیت استفاده از سیگار و توتون و تنباکو چقدر است؟ اصلاً در مسائل دینی مهم است؟ مهم نیست؟ حکم شرعی آن چیست؟ فوqش بگویند مکروه است. بیشتر از این من ندیدم مراجع گفته باشند. یک حکم مکروه. یعنی رتبه چندم احکام می‌شود؟ مثلاً الان اگر بخواهیم احکام مهم دین را بشماریم، شروع کنیم به شمردن احتمالاً در ۳۰۰ یا ۴۰۰ امین حکم، به این حکم برسیم. اما همین مسئله که حکم سیصد، چهارصدم دین است یک دفعه یک موقعیت اجتماعی رقم می‌خورد که در زمان میرزای شیرازی می‌شود الیوم



استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به لحاظ اهمیت و اولویت رده چندم احکام دینی است؟ رده اول است. **ابْنِي الْإِسْلَامِ عَلَى حَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ** منظور از ولایت، ولایت اهل بیت علیهم السلام است. ولایت ائمه علیهم السلام است. بعد کسی برود با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بجنگد؛ از این گناه در قاموس شیعه بدتر من سراغ ندارم. بعد یک زمان همین حکم سیصد، چهارصدم می شود حکم اول. آقا حدیثش را برای من پیدا کن که بینم کدام حدیث گفته توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؟! کجا زمان ائمه علیهم السلام به دلیل استعمال توتون و تنباکو چنین و چنان می کردند؟! صورت مسئله را درست بفهم! حکم توتون و تنباکو تا چند ماه قبل این فتوا یک حکم سیصد، چهارصدم دین بود. وضعیت اجتماعی تغییر کرد. همه مردم هم فهمیدند. ما فکر می کنیم امروز وضع تحصیلات رفته بالا، مردم باید بهتر بفهمند؛ اما آن زمان مردم عمده شان بی سواد بودند همه فهمیدند. بعد در مورد لوازمش استفتاء می کردند. می گفتند حالا که توتون و تنباکو حرام شد قلیان ها را باید بشکنیم؟ حالا یک سوال از شما می پرسم. کی توتون و تنباکو آزاد شد؟ حرام بود دیگر. کی آزاد شد؟ اصلا شنیدید تا حالا که گفته باشد الیوم استعمال توتون و تنباکو جایز است؟ نه. یک واقعه اجتماعی رخ داد. وقتی آن فقیه بزرگ، میرزای شیرازی رحمته الله علیه، حکمش را داد مردم فهمیدند. وقتی مردم فهمیدند همه خیلی جدی عمل کردند. حتی گفتند شاید لازم باشد قلیان ها را بشکنیم تا خیال دشمن راحت بشود که ما اصلا دیگر ول کن توتون و تنباکو شدیم. آن کمپانی ورشکست شد. کوتاه آمد. قرارداد به هم خورد. همه چیز که سر جایش برگشت مردم دوباره شروع کردند توتون و تنباکو استفاده کردند. گاهی یک حکمی به خودی خود رتبه اش سیصد، چهارصد است؛ ولی موقعیت زمانی، مسئله را عوض می کند.

### ● تطبیق مسئله حجاب

مسئله حجاب به لحاظ احکام شرعی به خودی خود جایگاهش چیست؟ حکم حجاب که به خودی خودش شاید رتبه ۷۰ یا ۸۰ ام

بود موقعیت اجتماعی ما، وضعیت را آنقدر تغییر داده که رفته است در رده‌های بالا. نگو آقا حکم حجاب به خودی خود حکمش پایین است. من هم قبول دارم. من هم می‌دانم. بعضی اوقات افراد جوگیر می‌شوند؛ پس فردای روزی که میرزای شیرازی رحمته‌الله علیه، حکم را داده، طرف از مریخ آمده می‌گوید پس اهمیت توتون و تنباکو نزد شیعیان این است؟ بابا تواز مریخ آمدی. کمی در این جامعه زندگی کن. احکام شرعی جایگاه دارد. بی‌حجابی، به خودی خود، گناه صغیره است. گناه صغیره بعد از گناه کبیره است. آیت‌الله دستغیب رحمته‌الله علیه گناهان کبیره را خیلی پرو پیمان برداشته است. گناه‌های کبیره‌ای که در فقه مطرح است؛ فوقش هفت هشت ده تا است؛ اما ایشان هفتاد هشتاد تا را مطرح می‌کند و هنوز بی‌حجابی را آنجا نیاورده است. حجاب به خودی خود و به تنهایی آنقدر مهم نیست. یعنی شما اگر ۵۰۰ سال قبل زندگی می‌کردی، حکم فقهی فرعی دسته دوم بود. دسته بیستم بود.

### ● حجاب، حکم ضروری و قطعی اسلام

این مناقشه‌ای هم که ده سال اخیر شده و آقایان یک کتابی نوشت، چون ۱۰۰۰ صفحه بود همه فکر کردند چه خبر است! همه چیز را به هم بافت. من فقط در ۴۰ الی ۵۰ صفحه نشان دادم این کتاب علمی نیست و کلاه برداری است. نمی‌خواهم اسمش را بیاورم که تبلیغش بشود ولو که خیلی‌ها شاید آن را دیده باشند. استدلال‌های پوچ می‌کند. یکسری شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد حجاب، یک حکم ضروری و قطعی اسلام است. شیعه و سنی که حتی در وضو هم باهم اختلاف دارند، در حکم حجاب ۱۲۰۰ سال اختلاف نداشتند. در این دوره مدرن یک عده حرف‌های جدید می‌زنند. پس معلوم است که حکم ضروری دین است. اینکه یک عده آسمان ریسمان به هم بیافند که مقدس اردبیلی چنین گفته، برو کتاب مقدس اردبیلی را درست بخوان. ببین جمله مقدس اردبیلی را جلو عقب می‌کند. بعد آدمی که اهل فن نیست متوجه خطا نمی‌شود. یک جمله کتاب را می‌بینند می‌گویند مقدس اردبیلی نظرش این نبوده. نخیر مقدس اردبیلی قطعاً نظرش درباره حجاب همین بوده که نظر همه فقهاست. من هم مفصل

در آن مقاله ای که در نقد آقای دکتر کدیور نوشتم، توضیح دادم. اگر می‌خواهی بحث تخصصی بکنی برو در بحث تخصصی آن وارد شو. متخصص قلب می‌گوید مسئله قلب این است! یک آدمی که در حد دانشجوی سال اول پزشکی درس نخوانده شروع می‌کند به اظهار نظر کردن درباره نظر متخصص قلب. دعوی «مار» و «مار» است دیگر. داستانش را می‌دانید یا نمی‌دانید؟ یک کلاهبرداری در یک شهر یا روستایی یک دکان دستگاہی راه انداخته بود. یک عالم دینی وارد آن شهر می‌شود و دکان دستگاہ او را خراب می‌کند. وی برای اینکه این عالم را از میدان به در کند می‌گوید بیا در مقابل مردم نشان بدهیم چه کسی باسواد است. مردم هم همه بی‌سوادند. گفت حاج آقا تو که خیلی ادعایت می‌شود بنویس مار. این هم نوشت «مار». آن آقا هم شکل مار را کشید و از مردم پرسید مار کدام است؟ همه گفتند معلوم است که این است (مار کشیده شده را نشان دادند). حالا دعوا همان دعوی مار و مار است. آدم بی‌سواد آسمان و ریسمان را به هم بافته. بعد در فضای عمومی هم عده‌ای می‌گویند حجاب محل مناقشه فقهاست. خیالت جمع. در کلیت آن هیچ محل مناقشه فقها نیست. من سه الی چهار مقاله نوشتم. همه مناقشه‌ها را که ادعا کردند پاسخ دادم. این دعوا الکی است؛ ولی حکم حجاب، به خودی خود، حکم فرعی دسته دوم بود. به دلیل شرایط خاص جامعه جهانی جایش عوض شده است. حداقل دو دلیل هویتی دارد که اگر امشب برسم دلایل هویتی را می‌گویم.

### ● دلایل اهمیت حجاب در شرایط خاص امروز

#### مسئله هویتی، دلیل اول: حجاب، یک نماد

الان همه شما حجاب را از زاویه عفت می‌بینید. یک نکته ای امروز وجود دارد که خیلی خیلی مهم تر از عفت است. آن است که چالش ایجاد کرده. می‌خواهی مسئله را راحت بفهمی؟ ما قبل این جریانات اخیر، افرادی را داشتیم که به لحاظ حجاب از منظر عفت، خیلی بدحجاب بودند. لباس‌های آنچنانی غیر عقیفانه. الان مشکل چیست؟ روسری را که می‌اندازند، همه ناراحت می‌شوند. اتفاقاً دقت کنید؛ آن‌ها هم که دارند برنامه ریزی می‌کنند خوب می‌دانند چطور برنامه ریزی

کنند. اغلب این‌هایی که روسری خود را انداختند بقیه پوشششان عقیقانه است. شما خیلی از این‌ها را می‌بینید که بقیه پوشششان از خیلی از این‌ها که قبلاً بدحجاب بودند بهتر است. پس چرا ناراحت شدی؟ مگر مسئله ات عفت نبود؟ نه. اینجا مسئله هویت است. مسئله هویت، مسئله مدرن است. در جامعه جهانی وقایعی رخ داده که حجاب را بالا آورده است. مسئله حجاب را ما شروع نکردیم. دعوای حجاب را آتاتورک و رضا خان شروع کردند! آقای رضا خان تو که می‌خواهی براندازی حالا گیر دادی به چادر چاقچور؟ عجب آدم نفهمی هستی تو! رضا خان که خودش کسی نبود. می‌دانید که رضا خان را انگلیسی‌ها آوردند و او را مدیریت می‌کردند. می‌خواهی مسئله حجاب را در دوره مدرن بفهمی، انقلاب را رها کن. برو قبل انقلاب. این جزء خاطرات آقای بهجت است؛ از یکی از علما نقل می‌کند که آن عالم زمان احمدشاه می‌گوید احمدشاه آمد سراغ من و گفت انگلیسی‌ها آمده‌اند سراغ من و گفته‌اند حجاب را از سر مردم بردار و الا تو را کنار می‌گذاریم و یکی دیگر را جایت می‌گذاریم. من آمدم از شما کسب تکلیف کنم. چه کار کنم؟ آن عالم گفته نباید برداری. احمد شاه گفته من دارم با شما و دین راه می‌آیم (آنقدرها که فکر می‌کنیم احمدشاه بد نبوده) نمی‌دائم بعد من می‌خواهند چه کسی را بیاورند. آن عالم مرجع زمانش می‌گوید تو این کار را نکن. یعنی یکی از دلایلی که انگلیس، احمدشاه را کنار گذاشت و رضا شاه را آورد همین برداشتن حجاب بوده است. (دیگر در این شک نداریم که رضا شاه را انگلیسی‌ها آوردند؟ رضا خان یک تیم حرفه ای داشته و قوی عمل کرده.) چرا؟ مگر حجاب چه کار می‌کند؟ واقعا برداشتن حجاب زمان رضا خان، کارشناسی شده بود. چون مسئله هویت بود. مادر بزرگ من کلاهی داشتند که پشتش شال وصل بود. زمانی که حجاب ممنوع بود لباس یقه دار می‌پوشیدند و کلاه شال هم می‌پوشیدند و مامورها کاری با وی نداشتند. می‌دانید رضا خان، همه مسئولین حکومتی را موظف کرد که خاتم‌هایشان در مراسم رسمی بی حجاب بیایند. خاتم‌های روحانیون حکومتی هم موظف بودند در این جلسات رسمی بی حجاب ظاهر بشوند، بی حجاب رسمی! برای همین خیلی‌ها مدل پوشششان این بود که به لحاظ شرعی هم حدودش را

رعایت کرده بودند. مسئله رضا خان حکم فرعی فقهی بود یا مسئله هویتی؟ می دانست اگر این چادر را برداشت [ولو آن پوشش جدید عملاً حجاب شرعی وی را حفظ کند] پرونده حجاب بتدریج بسته می شود. البته رضا خان نمی فهمید؛ اما آن ها که برنامه ریزی کردند می فهمیدند. این هم که الان شما دردت می آید می گوئی همانقدری که قبلاً شال کوچکی انداخته بودند الان ندارند؛ یعنی معنای هویتی در کار است. ساده بگویم خیلی از باحجاب های که در فرانسه راهشان نمی دهند وقتی می آیند به ایران اگر بروند قم بی حجاب محسوب می شوند! مثلاً فرانسوی ها خانم هایشان مایو اسلامی دارند! مایو پوشیده ولی مثل لباس غواصی. این حجاب است؟! من قبلاً می خواندم که در سواحل فرانسه اگر خانمی مایوی اسلامی بپوشد معادل چند صد دلار جریمه می شود. مایو اسلامی چه مسئله عفتی می آورد که با آن درگیر هستی؟! مسئله هویتی است! حجاب، نماد هویتی شده است. پرچم چه ارزشی دارد؟ بخاطر اینکه پرچم را در روی فلان قله قرار دهید چندین کشته می دهید! در عملیات ها این بود دیگر! حالا این پارچه آنجا نرود چه می شود؟ چرا اگر یک عده خاص در یک شرایط خاص سرود ملی نخوانند اعصابتان خرد می شود؟! کار نماد، متفاوت است با حکم به خودی خود. اگر چیزی نماد شد، جایگاهش عوض می شود. این پارچه قبلاً یک پارچه بود. حکم آتش زدن پارچه چیست؟ پس چرا اگر پرچم را آتش بزنند ناراحت می شوی؟ حجاب قبل این که ما به دنیا بیاییم، ۱۰۰ سال قبل نماد هویتی بود. قبل این که رضا خان شروع کند، آتاتورک شروع کرد. اگر می خواهی کار تمدنی انجام دهی مسائل را در افق جهانی بفهم.

جهان غرب، دو دشمن مهم داشت. امپراطوری عثمانی و امپراطوری ایران. بروید کتاب ها را بخوانید. بین این دو دعوا انداختند. خوب هم بلد بودند دعوا بیندازند. سال ها بین عثمانی و ایران دعوا بود. علما وسط را می گرفتند ولی باز دعوا برمی گشت. در دوران صفویه خیلی دعوا بود. دوران قاجار، علمای آگاهی داشت که نمی گذاشتند دعوا بشود. عثمانی را که متلاشی کردند. بروید کتاب هایشان را ببینید که می گویند ما عثمانی را از نقشه حذف کردیم. بفهم وقتی می گویند می خواهیم ایران را از نقشه حذف کنیم یعنی چه. آن ها فقط انقلاب

اسلامی برایشان مهم نیست. از قبل آن دارند این حرف‌ها را می‌گویند. مرحوم سید محمد کاظم یزدی رحمته الله علیه که در مشروطه، مرتب شک می‌کرد و توقف می‌کرد، نمی‌دانست حمایت کند یا نه و بعدا هم معلوم شد حق با اوست؛ برای دفاع از عثمانی، فتوای جهاد داد. او عالم زمان مشروطه و نقطه مقابل آخوند خراسانی رحمته الله علیه بود که طرفدار مشروطه بود. این آدم که اینقدر اهل احتیاط بود، فتوای دفاع از عثمانی داد؛ اما بالاخره عثمانی را از نقشه حذف کردند. مقرر اصلی عثمانی کجا بود؟ ترکیه. خود آتاتورک از فرماندهان رده بالای عثمانی بود که او را خریده بودند. به او وعده داده بودند. اصلا یکی از علل خیلی مهم سقوط عثمانی خود آتاتورک است. به او وعده دادند که اگر این سلسله سقوط کند آن را به دست تو می‌دهیم. سید محمد کاظم یزدی فتوای جهاد و دفاع از عثمانی می‌دهد. همان بحث وحدت شیعه و سنی. وقتی که دشمن مشترک داری، عالم شیعه برای دفاع از حکومت سنی فتوای جهاد می‌دهد. عثمانی را که زمین زدند و از روی نقشه حذف کردند، باید با پاک کن، اصل اسلام را از آنجا پاک کنند. دو سه تا کار کردند. خط را عوض کردند که نتواند با گذشته خود ارتباط بگیرد. و حجاب را برداشتند. با همین کارهای ظاهرا کم‌اهمیت! حالا مردم مطالبشان را به هر خطی بنویسند، به لحاظ شرعی چه فرقی دارد؟ حالا یک حکم فرعی حجاب نباشد، چقدر مهم است؟ این دو کار را کردند و ترکیه شد این که الان می‌بینید. تا ملتش می‌خواهد یک کار اسلامی بکند، ارتش می‌آید می‌گوید قانون اساسی ما لائیک است! غلط می‌کنی اسلامی باشی. ترکیه که زمانی به عنوان امپراطوری عثمانی یکی از دو مرکز جهان اسلام بود، تبدیل شده به مرکز جهانی که نمی‌گذارد اسلام در آن باشد. حجاب در آن ممنوع است. پس مسئله هویت را بفهم. دعوا چیز دیگری است.

آمدند سراغ ایران. به دلایل تاریخی متعدد نمی‌شد ایران را راحت تجزیه کرد. دیدند بهتر است به جای اینکه تجزیه کنیم، خودمان این جامعه را مدرن کنیم. رضاخان را آوردند (خود روشنفکران ضد دین می‌گویند مدرنیزاسیون اجباری). به زور جامعه را مدرن کردند. چون دیدند این مردم به این راحتی‌ها مدرن نمی‌شوند! البته منظور از مدرن، غرب زده شدن است. مراکز علمی را تعطیل کردند. فقط حوزه

نبود. بلکه مکتب خانه‌ها هم بود؛ که البته مکتب خانه‌های ما مشکلاتی هم داشت. اما تصویری از مکتب خانه‌ها ساختند که شما در فیلم دکتر محمد قریب می‌بینید و می‌گویید عجب چیز بیخودی! همان بهتر که برداشتند! این تصویر را القاء کردند که از اول ابتدایی همه برویم در یک نظام دیگری درس بخوانیم که برای تفکر غربی تربیت بشویم. برای مدارس ابتدایی، هزینه کردند. اصلاً مدارس متوسطه یعنی چه؟ تابه حال فکر کرده‌اید که این متوسطه یعنی چه؟ به دلیل اینکه شما در جهان مدرن دو مقطع اصلی دارید که عبارتند از ابتدایی و دانشگاه. حالا یک چیزی باید شما را از ابتدایی به دانشگاه سوق دهد. بعد می‌گویند چرا تب کنکور وجود دارد؟! این برنامه ریزی شده است. یک برنامه ریزی اساسی و حرفه‌ای و جدی است. حالا می‌خواهی به این راحتی‌ها آن را عوض کنی؟ تمام تنظیمات آن‌ها را ادامه دادی، حالا می‌خواهی عوض کنی؟ خیلی باید درباره‌اش فکر کنی! حالانمی‌خواهم این نقدها را بگویم؛ برویم سراغ مسئله خودمان. مدرنیزاسیون اجباری. همان دو کاری که در زمان آتاتورک کردند، آمدند در ایران هم بکنند. گفتند اینطوری بدون اینکه چند تکه‌اش بکنیم، اینجا هم اسلام را پاک می‌کنیم. یکی عثمانی بود و یکی ایران. رضا خان را گذاشتند و قرار شد که خط و حجاب برداشته شود. حجاب را اول برداشتند و اتفاقاً خیلی هم حرفه‌ای عمل کردند. ما بازی خوردیم. هنوز هم که هنوز است در بازی خوردن مان مانده‌ایم. اول لباس متحد الشکل (یعنی تمام هویت‌های قومیتی برود) سپس کشف حجاب. اول هویت قومی را هم بگیر از این‌ها. از اشتباهاتی که ما بعد از انقلاب کردیم، این بود که در حجاب اصرار داشتیم فقط یک مدل کاملاً تهرانی وجود داشته باشد. نگذاشتیم فضاهای قومیتی پوشش رواج پیدا کنند. این‌ها را بعداً در بحث راهکارها بیشتر خواهم گفت. حجاب را برداشتند. گام دوم شان خط و زیان بود که به دلایلی موفق نشدند.

یک خاطره از آیت الله بهجت رحمته‌الله خواندم. همانطور که می‌دانید کشف حجاب در زمان مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی رحمته‌الله (موسس حوزه علمیه قم) رخ داد. ایشان از نظر خیلی‌ها بسیار ساده بوده و زیرک نبوده است. همچنین بسیار اهل تقیه و عقب نشینی

بوده. می گویند سیاست بلد نبود؛ اما قضیه بالعکس است. آیت الله بهجت رحمته الله می فرمودند که این از سیاست ایشان بود که توانست حوزه را حفظ کند. عقب کشیدن هایی برای اینکه می دانست دارند اصل دین را می زنند. رفت آن لب مطلب را نگه دارد و یک جایی مخفی کند تا بعدا این دوباره برگردد. این خاطر هم از آیت الله بهجت رحمته الله است می فرمایند که یک عده از علما بعد از اینکه کشف حجاب شروع شده بود و خیلی هم داشت گسترش پیدا می کرد، جمع شدند که ببینند چه کار باید بکنند. جمع بندی شان این شد که آقای شیخ عبد الکریم رحمته الله که مرجع زمان است باید فتوای مبارزه و مخالفت با شاه بدهند. یک نفر را به عنوان نماینده می فرستند پیش مرحوم شیخ عبد الکریم رحمته الله حائری که به ایشان بگوید اجماع علما بر این تعلق گرفته که شما باید مداخله کنید. شیخ فرموده بودند علمایی که میان شان عاقل وجود نداشته باشد اجماع شان حجت ندارد! عاقل نباشد؟ یعنی حجاب مهم نیست؟ الان ما می فهمیم که ایشان چقدر تیزبینی سیاسی داشته اند. در حوزه هم همین بود. اصلا قرار بود حوزه جمع شود! ایشان مدام عقب کشیدند و کوتاه آمدند و نگذاشتند که حوزه جمع شود. این حوزه کوچک ماند. بعد که رضاخان رفت و کمی وضعیت برگشت دوباره شروع به رشد کرد و انقلاب ما رقم خورد. کیاست فوق العاده ای داشتند.

خاطره ای دیگر از آیت الله بهجت رحمته الله برایتان بگویم که البته به گمانم هنوز چاپ نشده است. همین شیخ عبد الکریم رحمته الله حائری رحمته الله که چنین موضعی در برابر آن دسته از علما گرفتند و گفتند که عاقل میان شان نیست، در اول کشف حجاب برخورد دیگری دارد. از تهران یک نماینده ای می فرستند قم نزد شیخ عبد الکریم رحمته الله که بپرسد حالا که حکومت کشف حجاب را شروع کرده ما چه کار کنیم؟ ایشان گفتند که مبارزه کنید، نهی از منکر کنید ولو به قیمت کشته شدن تان. این قضیه حدودا برای سال ۱۳۱۴ است که ماشین نبود! یعنی تهران - قم خودش یک مسافرت بوده است. این نماینده، آن شب را در قم می ماند. فردا که می خواست به تهران برگردد دوباره از شیخ عبد الکریم رحمته الله حائری رحمته الله پرسید که دیروز از شما سوال کردم فلانطور جواب دادید. بروم این را اعلام کنم؟ شیخ فرمودند نمی دانم! هر



کاری خودتان می‌دانید بکنید! نماینده با تعجب پرسید که مگر شما نبودید که دیروز گفتید فلان کار را بکنید حالا می‌گویید نمی‌دانم؟ شیخ دوباره تکرار کردند نمی‌دانم. حالا اینجا آقای بهجت توضیح می‌دهند که چرا اینطور گفتند. آیت الله بهجت رحمته‌الله علیه می‌گویند خب این نمی‌دانم یعنی چه؟ یعنی از دیروز تا امروز فتوا عوض شد؟ زمانه عوض شد؟ نکته این است که اگر شما نمی‌از منکر کنید، ولو به قیمت کشته شدنتان اما منکر رفع شود، نمی‌از منکر کنید. اما چه کنیم که [اگر بدانیم] نمی‌از منکر بکنیم منکر رفع نمی‌شود، اینجا باید جان مان را حداقل حفظ کنیم.

این توضیح آیت الله بهجت رحمته‌الله علیه از جمله دوم شیخ عبدالکریم رحمته‌الله علیه است. یعنی الان این‌ها یک بنایی گذاشتند که قتل عام می‌کنند که بی‌حجابی مستقر شود؛ این را نمی‌شود کاری کرد. الحمدلله شر رضاخان کم شد و محمدرضا آنقدر قوت نداشت و وقتی خواستند خط و زبان را عوض کنند علما سریع آمدند نگذاشتند چنین شود. پروژه ناتمام ماند. علما فهمیدند عوض کردن خط، بسیار جدی است و سریع مداخله کردند. اتفاقاً همان علمایی که معمولاً موضع نمی‌گرفتند. جدی ایستادند که خط فارسی نباید عوض شود. آقا شما که عربید؛ کتاب‌های عربی می‌خوانید. به فارسی چه کار دارید؟ عالم فقیه، زمانه را می‌فهمد. می‌فهمد که عوض کردن خط فارسی یعنی حذف اسلام در این کشور. به ریشه‌های هویتی ات مراجعه کن، راحت پیش می‌روی و مردم، راحت با تو همراهی می‌کنند. من می‌گویم ما در حجاب اشتباه کردیم. ریشه‌های هویتی مان را کنار گذاشتیم. آمدیم اصرار کردیم روی یک مدل خاصی از حجاب که بعد از مدرنیته باب شده بود و خواستیم همه همین مدلی باشند. ما در حجاب ریشه هویتی داشتیم. چرا این‌ها را دست کم گرفتیم؟

پس مساله حجاب چه شد؟

مقدمه اول: نماد هویتی شده است. نه زمان انقلاب ما بلکه سال‌ها قبل از انقلاب. و چیزی که نماد هویتی شد، زدنش موضوعیت دارد ولو اینکه شما انقلاب نکنید و یا می‌کردید. اول رضاخان که ما نبودیم. امام خمینی رحمته‌الله علیه در زمان اول رضاخان و قضیه کشف حجاب چند ساله بوده؟ یک جوان طلبه بیست و یکی دوساله بود. مساله چیز دیگری

است. صورت مساله عوض شده است. دعوا جای دیگری رفته است.

### • حجاب و کنشگری زن

اما مطلب دوم: آن نکته حجاب که ما سال‌هاست از آن غافل شده ایم این است که حجاب یعنی کنشگری زن. مفهوم حجاب، کنشگری و فعال بودن و انتخاب گری زن است. من چند سال است این بحث را مطرح می‌کنم ولی نمی‌خواستم تابه حال این مطلب را تیز بگویم اما دیگر مجبورم بگویم. چند سال است می‌گویم نگوید حجاب اجباری؛ بلکه بگوید حجاب قانونی. امسال اگر توفیق باشد تبیین می‌کنم که می‌توانیم قانون داشته باشیم ولی اجبار نداشته باشیم. ما چرا قانون را فقط در فضای اجبار می‌فهمیم؟ من مدافع قانون حجاب بودم، هستم و خواهم بود. نباید از این قانون عدول کنیم اما قالب قانون همیشه اجبار نیست. در آن مناظره ای که با آقای مهدی نصیری داشتم همه آن طرف را دیدند ولی یکی ندید وقتی آقای مهدی نصیری در صدا و سیما این حرف‌ها را زده آن که مقابلش بود چه جوابی داد؟ الحمدلله هیچ‌کس ما را ندید. چون بچه حزب الهی‌ها با خودی که کار ندارند؛ فقط با آن طرفی کار دارند. همان جا این را تبیین کردم اما خیلی نرم گفتم چون این حرف سنگین و پیچیده است.

ما می‌توانیم قانون داشته باشیم بدون اجبار. من مخالف حجاب اجباری ام و موافق حجاب قانونی. فردا نگویند سوزنچی هم از موضعش برگشت! من از موضعم برنگشتم و همچنان همان موضعی را دارم که چندین سال است در جاهای مختلف گفته ام. می‌شود حجاب قانونی داشت بدون اجبار. اما به‌هرحال این عبارت، تبیین می‌خواهد. اول خود حجاب را درست بفهمیم بعد که فهمیدیم شما می‌بینید چطور می‌شود حجاب قانونی داشته باشیم بدون اجبار. اول باید بفهمیم حجاب کنشگری زن است. بگذارید یک حدیث مخالف ذهنیت شما بخوانم بعد ببینید ما با این احادیث چه کار کرده ایم؟ البته بگذارید مقدمه دوم را هم بگویم چون وقت رو به اتمام است.

### • مقدمه دوم: راهکارهای شریعت برای تعلیم ساده و عمیق

شریعت طوری تعلیم می‌دهد که مردم همه یاد بگیرند بعد ما یعنی کسانی که فقیه نیستیم) شروع می‌کنیم اظهار نظر تخصصی روی

آموزش عادی شریعت، و همه چیز را قاطبی می‌کنیم. یک مثال ساده بزنم و بعد روی همین بحث حجاب پیاده سازی اش کنم.

### ● مثالی برای فهم صحیح قواعد کلی

نماز ظهر چند رکعت است؟ جواب بدهید. (حضار: چهار رکعت).  
 خب چهار رکعت. همه قبول دارید؟ مطمئن؟ خب من امروز، جای شما خالی، مشهد بودم از آنجا آمدم. حالا که من نماز ظهرم را در مشهد دور رکعت خواندم اشتباه کردم؟ مگر نماز ظهر چهار رکعت نبود؟ پس چرا من دور رکعت خواندم؟ می‌گویید چون مسافر بودی. آهان! ببینید شریعت چقدر ساده یادتان داد. می‌دانید نماز غریق چند رکعت است؟ نماز غریق یک الله اکبر است رکعت ندارد. نماز آدمی که پایش شکسته ایستاده است یا نشسته؟ ببین! صاحب شریعت خیلی زیبا یک آموزش ساده داده. اول قواعد کلی را داده بعد قواعد بعدی را گفته. یعنی اول یاد گرفتید نماز ظهر چهار رکعت است. این را که خوب فهمی دید بعدا سرفرصت یاد میگیرید نماز مسافر فلان طور است، نماز غریق بهمان طور است. یک نماز کلی یاد می‌دهند، این را همه یاد می‌گیرند بعدا جزئیات احکامش را به شما می‌گویند. بعد اگر یک آدم ناشی بگوید من در برخی روایات دیدم که نماز ظهر دور رکعت است پس آن‌هایی که می‌گفتند چهار رکعت است اشتباه می‌کردند! شما چون قواعد را یاد گرفتید می‌فهمید اشتباه می‌کند. خیلی جاها اینطور سرمان کلاه می‌رود!

### ● حدیث حضرت زهرا علیها السلام:

#### بیان قاعده عدم اختلاط زن و مرد، نه پرده نشینی زن

حدیثی که کسی امروز جرئت نمی‌کند بالای منبر بگوید؛ می‌خواهم بگویم و از آن دفاع کنم. حدیث از حضرت زهرا علیها السلام است. حدیثی است که همه آن را قیام می‌کنند یا در سندش خدشه می‌کنند زیرا نمی‌توانند درست آن را بفهمند. **أَخَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ** | برای زنان بهتر این است که مردان را نبینند مردان هم زنان را نبینند. یعنی چه؟ آیا این می‌خواهد بگوید زنان کلابروند در خانه؟ دقت کن! همین حضرت زهرا علیها السلام که این حدیث را می‌فرماید حجاب

داشتند یا نداشتند؟ مگر بهتر نبود زنان در خانه بمانند پس حجاب برای چه داشتند؟ حکم حجاب حکم اسلامی هست یا نه؟ از ائمه علیهم السلام درباره حجاب سوال می‌کردند یا نه؟ مطالب را با هم قاطی نکن! درست بفهم! می‌گویند اصل در مورد زن و مرد این است که اختلاط زن و مرد نباشد. اما همین دینی که این را گفته، همین حضرت زهرا علیها السلام که این را فرموده، می‌دانسته که در بسیاری موارد، اقتضای موقعیت اختلاط زن و مرد بوده که حضرت هم حضور داشتند و با حجاب می‌رفتند. حجاب یعنی این.

### ● حجاب، یعنی جدی بودن حضور زن در جامعه

حجاب یعنی پذیرش اینکه زن می‌خواهد در جامعه وارد شود، مردان را هم ببیند اما با رعایت حریم. یک قاعده به تو می‌گوید که اگر ضرورت ندارد نیاز نیست زن و مرد با هم باشند؛ مثلاً در ادارات جایی که ضرورت ندارد آیا زن و مرد با هم بنشینند؟ بهتر این است که جدا بنشینند (اگر می‌شود جدا کرد). در جاهای مختلف اگر جایی ضرورت ندارد چرا اختلاط باشد؟ حضرت زهرا علیها السلام این را می‌گویند! نمی‌گویند بهتر است زنان را بگذارید در خانه، در راه به رویشان ببندید که هیچ مردی آن‌ها را نبیند. پس اصلاً چرا اسلام حجاب را آورد؟ اگر منظور این بود که زنان باید بروند در خانه و در راه به رویشان ببندید چرا اصلاً حجاب آمد؟ حکم حجاب یعنی چه؟ یعنی اسلام قبول کرده که زن‌ها باید مردها را ببینند و متقابلاً مردها هم باید زنان را ببینند. اگر این را قبول می‌کرد که نمی‌گفت حجاب! حرف من تقطیع نشود بعداً بگویند سوزنجی گفته اسلام پذیرفته که زن و مرد باید همدیگر را ببینند پس حجاب لازم نیست! خدا بخیر کند. آدم می‌ترسد این ایام یک جمله ای بگوید سریع آن را تقطیع و کلیپ کنند. منظور من معلوم است. اصلاً حجاب یعنی زن انتخاب می‌کند که بیاید در جامعه، بیاید در مقابل مردان ولی با حریم. همین زنی که انتخاب کرده بیاید در جامعه و کنشگر اجتماعی شود همین زن، می‌خواهد بگوید الگوی من در کنشگری با الگوی غربی فرق دارد. این مساله دوم هویتی است که امشب دیگر نمی‌رسم بگویم. پس آن حدیث یک قاعده کلی دارد می‌دهد. مانند اینکه نماز ظهر چهار رکعت است اما شما مسافری. آقا دروغ‌گویی خوب است یا بد؟ مگر کسی شک دارد در بدی دروغ؟ گناه

کبیره است. اما اگر داعشی‌ها آمدند شهر شما را گرفتند باید بگویی من شیعه ام یا نکویی؟ عاقل می‌گوید نکو. تقیه است. حالا اگر از تو پرسید شیعه ای یا نه چطور؟ راست بگویم یا دروغ؟ هر عاقلی می‌فهمد «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَهُ» به عمار یاسر گفتند بر بت سجده کن، سجده کرد بعد آمد نزد پیامبر گفت چه کار کنم؟ من سجده کردم. آیه نازل شد «الْأَمَنُ أَكْرَهُ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» می‌گوید این در شرایط تقیه بود مجبور بود سجده کند هیچ اشکالی هم ندارد. ممکن است کسی ۱۰ سال در مکه تقیه کند هیچ اشکالی ندارد. ۱۰ سال دروغ بگویم؟ بله. اینجا اشکال ندارد چون نمی‌خواهی دروغ بگویی بلکه می‌خواهی جانت را حفظ کنی. احکام را بفهم. حالا چون ما قائل به تقیه شدیم دروغ‌گویی مجاز شد؟ نخیر! مجاز نیست. حضرت زهرایی که می‌گوید بهترین چیز برای زن این است که مردان را نبیند و مردی هم او را نبیند حجاب می‌گذاشت. یعنی مردان را می‌دید و دیگران هم او را می‌دیدند. همین حضرت زهرا علیها السلام، خطبه فدکیه خواند. حضرت زهرایی که آن حدیث را داشتند به علی علیه السلام می‌گفتند چرا سلمان به ما سر نمی‌زند؟ رفت و آمد داشتند! یک جای دین را گرفتیم جای دیگرش را فراموش کردیم بعد شروع می‌کنیم نظر دادن. این حدیث نیازی به مناقشه کردن ندارد. تمام متدینین می‌فهمند اصل بر عدم اختلاط است اما این به این معنی نیست که زنان بروند در خانه در برابر روی خود ببینند. خیلی واضح است. الان ما بیشتر از آن که بگویم اصل بر عدم اختلاط است می‌گویم حجاب واجب است.

حجاب واجب است یعنی چه؟ یعنی زنان دائماً در موقعیت‌های مقابل مردان قرار می‌گیرند. ببینید چقدر راحت با هم جمع می‌شود. هم این را داریم و هم آن را. نیازی هم نیست قاطی کنیم. حواس مان باشد خیلی وقت‌ها یک مطلب که می‌خواهند بگویند این مطلب اول است و مطلب دوم هم دارد. اگر گفت بهتر برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردان او را نبینند بعدش می‌گوید حجاب واجب است. اصلاً شما زنی را می‌شناسید که در عمرش حجاب نکرده باشد؟ به این معنی که هیچ مرد ناخرمی او را ندیده باشد. اصلاً قابل فرض است؟ معلوم است که منظور حضرت این نبود. برای همین است که حضرت زهرا علیها السلام می‌آید خطبه فدکیه می‌خواند. این خطبه بسیار زیباست و موضوع بحث ما هم هست.

· اجلسه اول ·

بارگیری فایل صوتی جلسه



| اسکن کنید |



| جَلِيسَةُ دَوْمٍ |







### ● مقدمه و مروری بر مباحث گذشته

بحث ما درباره حجاب و کنشگری زن در جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بود. عرض کردیم که مسائل مختلفی که در احکام اسلامی هست، دو نگاه به آن‌ها وجود دارد. یک نگاه به خودی خود، که یک مسئله، به خودی خود می‌تواند جایگاه خیلی مهم داشته باشد یا یک جایگاه پایینی داشته باشد و گاهی وقت‌ها همین مسئله در بستر زمان و مکان خاص جایگاهش عوض می‌شود. عرض کردیم توتون و تنباکو به خودی خود یک حکم فرعی فقهی دست دویستم و سیصدم است، فوقش مکروه هست اما یک موقعیتی در تاریخ پیش می‌آید که الیوم استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک می‌شود. بحث ما این بود که حجاب یک حکمی بود که اگر فقط حجاب بود و ما مثلاً پانصد سال قبل زندگی می‌کردیم، یک حکم مثلاً هشتادم نودم بود؛ اما وقایعی رخ داده که این وقایع موجب شده این مسئله هشتادم و نودم بیاید در رده‌های بالا. این معنایش این نیست که این حکم به خودی خود در این رده است.

مثلاً ربا یک حکمی است که به خودی خود رده‌اش خیلی بالاست. قرآن وقتی درباره ربا حرف می‌زند می‌فرماید: ﴿فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾ باید به این مسئله پرداخته شود. یا در باب مسائل اقتصادی و فقر که در روایت می‌فرماید: *الْوَلَا رَحْمَةَ رَبِّي لَكَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا* اگر رحمت خدا نبود نزدیک بود که فقر به کفر برسد. حکومت باید به این‌ها بپردازد و این‌ها به خودی خود مسئله‌های بالایی هستند؛ پانصد سال قبل حجاب

آنقدر رده اش بالا نبود اما یک وقایعی رخ داده که الان حجاب در رده این‌ها قرار گرفته. من از این جهت، این مثال‌ها را گفتم که تا بحث حجاب را مطرح می‌کنیم می‌گویند آقا چرا با بقیه مسائل کار ندارید. نه. ربا معضل است باید برایش فکر کنیم. بانکداری ما که تا حدودی در آن ربا دارد، حالا درست است یک مقدار به لحاظ صوری حل شده ولی همه مراجع گفته‌اند دیگر، معضل هست باید بنشینیم حلش کنیم. [اما می‌خواهم] بدانید برخلاف این تبلیغی که می‌کنند فکر نکنید ربا خیلی مهم است ولی حجاب مهم نیست. حجاب رده‌اش آمده بالا، نه به خودی خود، بلکه به دلیل وضعیت خاصی که در تاریخ رخ داده است.

### ❁ عامل اول هویتی: حجاب، نماد تصویری

دیروز مقداری را برایتان عرض کردم، رفتم سراغ اینکه حجاب یک بعد هویتی پیدا کرده است. چرا بعد هویتی پیدا کرده؟ یک علت مهم آن این است که ما در عصر رسانه‌های تصویری به سر می‌بریم. رسانه تصویری کاری با ما کرده که جایگاه نمادهای تصویری عوض شده. خیلی برانمان مهم شده، تبدیل به پرچم شده است. اگر خواستید مطالعه کنید آقای نیل پستمن کتابی دارد به اسم «زندگی در عیش مردن در خوشی» خیلی قشنگ توضیح می‌دهد که بعد از این عصر رسانه‌های تصویری، تصویرها، نمادها، آن چه به چشم می‌آید، با فرهنگ چه کار می‌کند. چون ما در این عصر به سر می‌بریم، حجاب یک شاخص مسلمانی شد. ما حجاب را شاخص مسلمانی نکردیم. انقلاب ما نکرد. دیروز توضیح دادم قبل از انقلاب ما بود. این‌ها از زمان رضا خان با حجاب درگیر شدند. قبل از رضاخان در زمان آتاتورک در ترکیه با آن درگیر شدند. ما نرفتیم آن را نماد کنیم. دست ما نیست. برخی‌ها می‌گویند بیابید حجاب را از نماد بیندازیم. مگر دست من و تو است؟ این مسئله در عرصه جهانی در عصر تصویر جهان در عصر رسانه‌های تصویری و نمادها، [به طور طبیعی رقم خورده است] دست من و تو نیست. آن چیزی که حیث تصویری دارد نماد می‌شود. آن چیزی که به چشم می‌آید سریع نماد می‌شود. این نیست که حالا ما یک کاری کنیم که نماد نشود. این مطالبی بود که تقریباً دیروز عرض کردم.

### ❖ عامل دوم هویتی: فمینیسم

نکته دومی که دیروز یک اشاراتی به آن کردم، امروز می‌خواهم ان شاء الله بیشتر آن را باز کنم که بعد هویتی حجاب را پررنگ می‌کند. پیدایش پدیده‌ای است به اسم فمینیسم، نهضت احیای حقوق زنان.

می‌دانید موج اول این نهضت تقریباً از اوایل قرن نوزدهم بود. موج دومش در قرن بیستم، اواسط قرن بیستم، بود. عمدتاً افراد، موج دوم و یک مقداری هم موج سوم را می‌شناسند. مخصوصاً در ایران، ما هنوز در موج دوم به سر می‌خوریم؛ اگر موج سوم را خوب در ایران معرفی کنیم موج دوم می‌خواهد.

چه چیزی رخ داده؟ خوب دقت کنید. من این بحث را مفصل یک بار مطرح کردم. عنوان بحثم را «زن به مثابه نا-مرد» گذاشتم؛ منتها گفتم در تیتراژ سخنرانی که دادیم بخشش کنند «نامرد» را بنویسید «نا، خط تیره، مرد». گفتم دو تا مطلب بگویم یکی زن به مثابه مردی که مرد نیست. دیدیم این کلمه نا-مرد خوب این معنا را می‌رساند. نامرد به مردی می‌گوئیم که مرد نیست. زن به مثابه نا-مرد یعنی چه؟ آن بحث آنجا را هر کس خواست مفصل من آنجا تحلیلش کردم. خیلی تیتراژ خلاصه‌اش را می‌گوئیم که این نکته خودم را بگویم.

### ❖ فمینیسم، جریانی مردسالار

ببینید فمینیسم جریانی است که الگوی انسان را مرد می‌بیند نه زن و اصرار دارد که زنان مثل مردان شوند. فمینیسم در باطن خود، یک جریان مردسالار است. الگوی زندگی اجتماعی را مردانه می‌بیند. برای همین مهم‌ترین فمینیست‌های موج دوم را شما نگاه کنید خیلی جاها مثل مردان رفتار می‌کردند، اصلاً تیپ هم مثل مردها می‌زدند. ببینید غرب در بحث زن، دو کار کرده. یک بحث این است که زن را به مثابه کالا کرده. هنوز به این بحث نرسیده‌ام، این را بعداً می‌خواهم بحث کنم. فمینیسم این نیست. فمینیسم می‌گوید زن‌ها مثل مردها بیایند در میدان، مثل مردها یعنی مثل مردها. یعنی هویت جنسیتی خود را کنار بگذارند. من فعلاً سراغ ابعاد جنسی نمی‌خواهم بروم، این بحث هم در بحث من هست. ما همیشه حجاب را در حوزه مسائل جنسی دیدیم، من می‌خواهم از حیث جنسیتی بگویم. جنسیتی یعنی زن بودن و مرد بودن

صرف نظر از ابعاد جنسی. فینیسیم می گوید زن هم می تواند کنشگر باشد مانند مرد.

این شهید مطهری رحمۃ اللہ علیہ، واقعا فوق العاده است، زمانی که موج دوم دارد در اروپا شکل می گیرد، ایشان دارد تحلیل می کند. ما الان پنجاه سال بعدش داریم تحلیل می کنیم. ایشان خیلی نابغه هست. ایشان می گوید ما طرفدار حضور زن در جامعه هستیم برخلاف یک تلقی سنتی که می گوید زن ها بروند خانه نشین شوند. پرده نشین شوند. اصلا شهید مطهری رحمۃ اللہ علیہ کتاب مسئله حجاب را که نوشته دوتا حریف دارد یک حریفش فضای غربی است؛ یک حریفش فضای سنتی پرده نشین است. نصف کتاب با این ها دعواست و نصف دیگر با آن ها. شهید مطهری رحمۃ اللہ علیہ حرفش می گوید ما طرفدار حضور زن در جامعه هستیم اما زن در مدار خودش، مرد در مدار خودش.

### ● مردآفرینی، نقش غیرمستقیم زن

حالا اتفاقا یک شعر قشنگی هست که برای عمان سامانی است. مصرع اولش را ما در ذهنمان پرزنگ کردیم. وقتی حجاب راقط با این مصرع اولش جلو بیریم می بازیم. مصرع دومش را که الان برایت میخوانم درباره حضرت زینب علیہا السلام است.

زن مگو مردآفرین روزگار زن مگو اخت الجلال بنت الوقار  
ما اشتباهان این است که با زنان که صحبت می کنیم فقط  
از آن ها مردآفرین روزگار طلب می کنیم. زنی که مردآفرین روزگار  
است فقط دارد نقش غیرمستقیمش را انجام می دهد. اتفاقا رکن اصلی  
شخصیت حضرت زینب علیہا السلام، مردآفرین روزگار نبود، یعنی درست است  
بچه های حضرت شهید شدند؛ ولی آن چیزی که حضرت زینب علیہا السلام را  
حضرت زینب علیہا السلام کرد اخت الجلال بنت الوقار بود که می گویم.  
یعنی چه؟ آقای مطهری رحمۃ اللہ علیہ در حماسه حسینی درباره  
حضرت زینب علیہا السلام بحث می کند. می گوید زن، یک نقش غیر مستقیم  
در تاریخ داشته یعنی مردآفرین روزگار بوده، با مردآفرینی اش تاریخ را  
مدیریت می کرده. حالا یا همسرش یا فرزندش؛ اما یک نقش مستقیم  
هم داشته است. در نقش مستقیم سه مواجهه رخ داده. یک مواجهه سنتی  
که ایشان آن را نقد می کند آن است که اساس نقش مستقیم را

قبول ندارد] می‌گوید زن به مثابه شیء گران بها. یعنی زن، گران بها است اما شیء است. نقش آفرینی اجتماعی ندارد، پرده نشین است اما بالاست، ارج دارد، مقام دارد. در دید مرد محترم است؛ اما در پرده نه در میدان. بعد می‌رسد به غربی‌ها. می‌گوید غربی‌ها، این غربی‌ها که اینجا می‌گویند منظور، فینیسیم است منظورش جریان سرمایه‌داری نیست که بعدا سراغ جریان سرمایه‌داری می‌روم که زن را به مثابه کالا در جامعه می‌آورد، کالای جنسی. من فعلا با این کار ندارم تعبیر ایشان آنجا این است: می‌گوید غربی‌ها زن را به مثابه انسان بی‌بها آوردند وارد جامعه کردند. الگوی مردانه‌ای برای جامعه زن قراردادند.

### ● نقش مستقیم زن در جامعه

[اما هردوتای این‌ها غلط است] اسلام زن را به مثابه انسان گران بها می‌خواهد انسان گران بها در مورد زن یعنی در عین حال که زن است، انسان اجتماعی است. در جامعه حضور فعال دارد؛ اما زنانگی خودش را حفظ کرده، نه زنانگی به عنوان امر جنسی. این کاریست که حضرت زینب علیها السلام کرد. شاهکار کرد. این کار آنقدر پیچیده است که من یک دهه محرم فقط برای همین منبر رفتم. الگوی کنشگری اجتماعی زن مسلمان بر اساس الگوی رفتاری حضرت زینب علیها السلام. یک دهه منبر است بعدا همان را مقاله کردم می‌توانید ببینید. حضرت زینب علیها السلام خیلی پیچیده عمل کرده است. چه کار کرده؟ من یک چیزی می‌گویم برق از سرت بپرد. این وحشی‌های داعشی با سپاه عمر سعد فرقی می‌کنند؟ یا آن طرفی بگویم سپاه عمر سعد با وحشی‌های داعشی فرقی می‌کند؟ اگر می‌خواهی نمونه سپاه عمر سعد را ببینی، امروز داعش را داریم. این را سردار رضانی به خودم گفت. گفتم سردار من روی منبر می‌گویم، گفت بگو. گفتم خبر قطعی است؟ گفت بله. می‌گفت در سوریه که می‌جنگیدیم گردان حرمه داشتند. گردان حرمه یعنی چه؟ اهل سنت، حرمه را آدم حساب نمی‌کنند. اهل سنت معمولی. ما با اهل سنت در باب خلفا اختلاف داریم ولی در حرمه و یزید و ... اختلاف نداریم. حالا در یزید هم برخی از وهابی‌هایشان توجیهاتی دارند؛ ولی اهل سنت حتی وهابی‌ها هم حرمه را آدم حساب نمی‌کنند. گردان حرمه یعنی چه؟ یعنی بدانید با

چه کسی طرف هستید. داعشی نمونه سپاه عمر سعد است. معذرت می‌خواهم این تعبیر را می‌خواهم به کار ببرم. عذرخواهی می‌کنم حالا مجلس عمومی خوب نیست. ولی می‌خواهم بفهمید که گفت حضرت زینب علیها السلام بنت الوقار اخت الجلال، این در کربلا چه کار کرد؟ داعشی‌ها وقتی می‌ریختند، جز این بود که اولین کارهایشان تجاوز به ناموس بود؟ غیر این بوده؟ اما آیا شما در کربلا چنین واقعه ای سراغ دارید؟ نمی‌دانید حضرت زینب علیها السلام چه کار کرده. نمی‌دانید حضرت زینب علیها السلام چه کار کرده. ما حضرت زینب علیها السلام را نفهمیدیم چون خجالت می‌کشیم این حرف‌ها را بنویسیم. حیا می‌کنیم. نمی‌دانیم حضرت زینب علیها السلام چه کار کرده. کنشگری اجتماعی حضرت که معروف است. پیام آور کربلا است. کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود؛ اما فقط این نیست. حضرت زینب علیها السلام کنشگر زن است و کنشگری زنش را با الگوی اخت الجلال و بنت الوقار چنان انجام می‌دهد که این داعشی‌های کربلا جرئت تعرض جنسی نمی‌کنند. این شاهکار حضرت زینب علیها السلام است. چون ما خیلی اهل حیا هستیم خجالت می‌کشیم بگوییم ولی باید بدانیم چه کار کرده است. بدانیم کنشگری اجتماعی زن با حفظ هویت جنسیتی‌اش چطور می‌شود.

دفاع از جان امام بر همه واجب است یا نه؟ زن و مرد دارد؟ چرا امام حسین علیه السلام روز عاشورا به زنان می‌گوید نروید؟ همه می‌دانید وقتی ریختند سراغ امام سجاد علیه السلام حضرت زینب علیها السلام خودش را انداخت روی حضرت و گفت اول من را می‌کشید بعد او را. پس چرا برای امام حسین علیه السلام نرفت؟ ام وهب رفت، چرا امام او را بر گرداند؟ سوال خیلی سنگینی است. آقای دکتر شریعتی یک سخنرانی دارد که تیترو سخنرانی‌اش فوق العاده است ولو محتوایش خیلی ضعیف است. سوال قشنگی مطرح کرده، می‌گوید چه چیزی از جان امام بالاتر است؟ از جان امام بالاتر داریم؟ از جان امام بالاتر آن چیزی است که امام جانش را برای آن فدا می‌کند. جانش، نه حقیقت قدسی امام. از حقیقت قدسی امام هیچ چیزی بالاتر نیست. جان منظور جان دنیوی است. امام حسین علیه السلام جانش را برای چه فدا کرد؟ برای حفظ اسلام. درست است؟ حفظ اسلام آنقدر مهم است که حضرت زینب علیها السلام نباید خودش را فدای

جان امام حسین علیه السلام بکند. کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود. برای همین نباید فدا بشود. چه مجاهدتی کرد حضرت زینب علیها السلام! حضرت زینب علیها السلام خیلی شخصیت پیچیده ای دارد. نمی توانیم بفهمیم. من تا حضرت زینب علیها السلام می گویم می روم در فاز روضه. نمی توانم حرف بزنم. حضرت ابوالفضل علیه السلام می آید که از برادرش اجازه بگیرد که بعد حضرت او را دنبال آب می فرستد. می گوید **یا اباخی سَمِئْتُ مِنَ الْحَيَاةِ ضَاقَ صَدْرِي** | دلم سنگین شده **سَمِئْتُ مِنَ الْحَيَاةِ** خسته شدم بگذار بروم انتقام بگیرم. بعد شما می دانید حالا علی اصغر علیه السلام زنده است. حالا این ها را ندیده. خود امام حسین علیه السلام را ندیده. دل عباس علیه السلام تنگ آمده. حضرت زینب علیها السلام در عالم کنشگر اجتماعی زن چه کار می کند. این افق است. نیاز نیست همه زن هادر این افق باشند؛ اما یک الگورا جلوی ما گذاشته اند بفهمیم در عالم چه کار می شود کرد. در کربلا ورق را برگرداند. می دانی یعنی چه؟ ورق را برگرداند. چه کسی بعد از پایان جنگ، گریه می کند؟ پیروز یا شکست خورده؟ حضرت زینب علیها السلام ظرف یک روز بعد عاشورا ورق را برگرداند نگذاشت به کاخ یزید برسد. به کاخ ابن زیاد برسد. به سبک زنانه مجاهده می کند. یعنی چه کار می کند؟ سبک زنانه. نه سبک جنسی. سبک جنسیتی زنانه. اصلا امر جنسی از زینب علیها السلام نمی بینید. اصلا نمی گذارد ذهن برود به سمت امر جنسی. فضای زنانه اش را نگه می دارد. برادرش به او وصیت کرده: یا اختی! گریبان پاره نکنی! شب عاشورا وصیت کرد دیگر. حضرت گریبان پاره نمی کند، گریه ذلیلانه نمی کند؛ اما وقتی بالای پیکر برادرش می رسد چه می گوید؟ **أَوَ أُمَّ حَمَلَهُ وَأَعْلِيَّاهُ هَذَا حُسَيْنٌ بِالْعُرَاءِ مُرْمَلٌ بِالْيَمَاءِ** | راوی های خود لشکر عمر سعد دونقل دارند. دوراوی، هر دوراوی جمله شان این است: **وَاللَّهِ أَبْكَتْ كُلَّ عَدُوٍّ وَصَدِيقٍ** گریه دوست و دشمن را درآورد. **أَبْكَتْ نَهْ بَكَتْ**. **أَبْكَتْ** یعنی گریاند. گریه دشمن را در خود کربلا درآورد. دیروز می خندیدی، گریه کن. باختی، من بردم. یک کنشگری زنانه در عرصه اجتماعی.

### ● به جای دفاع از حجاب، با حجاب، حمله کنید

ما خیلی در معرفی دین مان کم گذاشتیم. خیلی می خواهیم از حجاب حرف بزنیم، می گویم حجاب مصونیت است نه محدودیت.

[درحالی که] حجاب حمله است. ما از حجاب نباید دفاع کنیم. باید با حجاب حمله کنیم. باید با حجاب کنشگری زن در غرب را به چالش بکشانیم. بگوییم شما نتوانستید زن را زنانه وارد میدان کنید. شما زنان را مثل مردان کردید. زن، دست دوی مرد شد. الان زن دست دوی مرد است. همین زنان فینیس را می گویم. [محور ورود زنان به اجتماع را ورود به پستهای سیاسی و ... قرار دادند، اما می بینید که هنوز] اصل پستهای سیاسی در جهان برای مردها است. حالا یک خانم مرکل هم صدراعظم می شود. حالا یک خانم هم می شود وزیر خارجه. اما فضا دست مردها است. شما می خواهید از احیای اجتماعی حقوق زن دفاع کنید چرا الگوی مردانه برای زن می آورید؟ به زن بگو زن، تو زن هستی و وارد جامعه می شوی. حجاب یعنی این. حجاب یعنی زن تو زن هستی و وارد جامعه می شوی، کنشگری اجتماعی می کنی. کم نمی گذاری. ما حجاب را اینطور معرفی کردیم که حجاب برای این است که مردان تحریک نشوند. خب این هم هست اما عامل اصلی این بود؟ برای همین است که در روضه حضرت زینب علیها السلام تا به تو می گویند معجز را کشید به هم میریزی. حجاب حضرت زینب علیها السلام در عاشور چه کار می کند. اخت الجلال بنت الوقار یعنی کنشگر اجتماعی زن، که اجازه نمی دهد مخاطبش به امر جنسی فکر کند. بین اسلام چه الگویی طراحی کرده و ما با آن چه کار کردیم. معلوم شد؟

### ● الگوی اسلام برای کنشگری زن

حجاب یعنی کنشگری اجتماعی زن با حفظ زنانگی اش، اما در عین حال اجازه نمی دهد تو وارد حریم جنسی من بشوی، حق نداری به من نگاه جنسی بکنی. من می خواهم وسط جامعه باشم من می خواهم وسط اقدامات اجتماعی باشم؛ اما در حریم خودم. من می آیم در جامعه. نمی آیم که اختلاط برقرار کنم.

دیروز گفتم بهترین چیز برای زن این است که مرد او را نبیند او هم مرد را نبیند به خودی خود. برای همین حضرت زینب علیها السلام با همین منطق می رود در عاشورا میدان داری می کند. بهتر این است مردی زن را نبیند زن هم مردی را نبیند؛ برای همین وقتی برای شما روضه میخوانند،



ریختند داخل خیمه‌ها چادر کشیدند، جوش می‌آوری؛ می‌خواستند وارد حریم این‌ها بشوند، نگذاشتند! نگذاشتند!

پس حجاب چه شد؟ این یک نکته هویتی است.

۵۰ سال قبل این حرف را می‌زدی کسی نمی‌فهمید، باید نهضت احیای زنان در غرب رخ بدهد، فمینیست‌ها وسط بیایند، میدان الگوی زنانه تابع مرد را طرح بکنند، تا ما بفهمیم حجابی که ۱۴۰۰ سال قبل خدا گذاشته می‌خواهد بگوید اگر موقعیتی پیش آمد که زنان توانستند وسط میدان بیایند، موقعیت فعالیت اجتماعی زنان پیش آمد، ای زنان یادتان باشد که شما زنید، شما کالای جنسی نیستید، مرد نیستید. آدم غصه‌اش می‌گیرد. بابا! زن زندگی آزادی شعار ماست یا آن‌ها؟ وقتی آزادی را گفתי آزادی جنسی، خروجی «زن زندگی آزادی» می‌شود بی‌حجابی. آزادی را گفתי آزادی انتخاب‌گری، «زن زندگی آزادی» می‌شود شعار ما. برای همین است که در خارج ایران، حجاب خیلی معنادار است.

برای بسیاری از زنان ایرانی ما حجاب معنا ندارد. در خارج ایران، زن حجاب داشتنش را انتخاب می‌کند. می‌خواهد آزاد باشد؛ نمی‌خواهد ابزار جنسی بشود. چون نمی‌خواهد ابزار جنسی بشود می‌خواهد خودش باشد. می‌خواهد زن باشد؛ اما غرب می‌گوید نباید این طور بشوی یا باید مدل مردانه بیایی، یا کالای جنسی!

اسلام شاهکار کرده. در حد فهم خودمان آن را پایین می‌آوریم و خرابش می‌کنیم. واقعاً شاهکار نیست؟ کی می‌توانست هزار سال قبل فکر کند مدرنیته رخ می‌دهد؟ این وضعیت رخ می‌دهد.

خود زن‌ها در اروپا این را فهمیده‌اند به نحو ناخودآگاه، نمی‌آیند تحلیل کنند؛ زن، حجاب را انتخاب می‌کند. فشار اجتماعی می‌کشد و انتخاب می‌کند. بعد با مدل‌های غلطی که ما بعضی وقت‌ها پیاده می‌کنیم این انتخاب را از زن می‌گیریم.

من نمی‌خواهم بگویم بی‌قانونی. من از قانون حجاب دفاع خواهم کرد، من همچنان معتقدم که قانون حجاب باید بماند.

## قانون، بدون اجبار

دیروز ہم گفتیم ان شاء اللہ برسیم برایتان تبیین می‌کنم چه طور می‌توانی قانون داشته باشی، مردم هم رعایت کنند؛ اما اجبار نباشد. حالا ساده‌اش را می‌گویم فقط ذهنتان درگیر شود. این همه قوانین اقتصادی داریم، این همه قوانین فرهنگی داریم چند تا از این‌ها را با زور می‌رویم اجرا می‌کنیم؟ و چند تا دارد اجرا می‌شود؟ فقه، همه‌اش قانون است. معاملات، همه‌اش قانون است. ما می‌آییم اجبار کنیم؟!

## جمع بندی دو دلیل هویتی

پس تا حالا دونکته را در بحث هویتی گفتیم. این تغییرات فرهنگی که در جهان رخ داده موجب شده حجاب بالا بیاید.

۱ | حجاب نماد مسلمانی شده

۲ | حجاب مدل کنشگری خاص برای زن ایجاد می‌کند. می‌گوید زنان می‌توانند در جامعه حاضر شوند. غربی‌ها با فینیسیم آمدند. برای همین حجاب، نقطه مقابل جهان فینیسیم است.

در مقابل فینیسیم دو جریان در حوزه زنان سراغ داریم. یک جریان سنتی پرده نشین که متأسفانه خیلی وقت‌ها ما که با فینیسیم می‌خواهیم درگیر بشویم این الگورا ترویج می‌کنیم. زنان هم ناراحت می‌شوند. من به آن‌ها حق می‌دهم. به آن‌ها می‌گوییم برو در پستو، خب زن هم آدم است. زن هم انسان اجتماعی است. حق کنشگری دارد. [دومی این است که] در قبال الگوی فینیسیتی، اسلام الگو داده است. زن با حفظ هویت خودش بیاید. بروم عامل سوم.

عامل سوم و چهارم به پدیده عفاف به معنای کلی‌اش برمی‌گردد. این سوم و چهارم راحت فهم‌تر است. اگر آن اول و دوم را خوب بفهمی، معنای این سوم و چهارم هم عوض می‌شود [عمیق‌تر فهمیده می‌شود].

## عامل سوم هویتی: انقلاب جنسی

عامل سوم، انقلاب جنسی است. انقلاب جنسی در دهه ۱۹۶۰ در اروپا شروع شد. اتفاقاً انقلاب جنسی یکی از عواملی است که بعد هویتی را پرننگ کرده. یعنی چه؟

## ● فرهنگ جهانی پوشش تا قبل از انقلاب جنسی

می دانید زنان در طول تاریخ عموماً دارای پوشش مناسبی بودند. نه فقط مسلمان ها. شما راهبه های مسیحی را نگاه کنید. این پوشش اصلی مسیحیان بوده. شما این فیلم های قبل از ۱۹۶۰ کارخانه های روسیه را ببینید. کارگاه های خانم که بیرون می آیند شال روی سرشان است. حالا ممکن است پوشش کامل سر نباشد؛ اما پوشاندن سر در تمام فرهنگ های سنتی، (سنتی یعنی دوره قبل از مدرن مخصوصاً قبل از دوره انقلاب جنسی)، یک پدیده بسیار رایج بوده. با انقلاب جنسی در غرب فرهنگ برهنگی شروع شد. مسیحیت شریعت ندارد. مسیحیت مدرن را دارم می گویم. چون شریعت ندارند رها کردند. سریع رفتند در فاز برهنگی. یهودیان انقدر رها نکردند. برای همین فیلم های اسرائیلی را نگاه کن هنوز در اسرائیل زن ها با حجاب هستند. زنان یهودی را می گویم. نه زنان مسلمان؛ ولی چون تعداد یهودی ها در جهان خیلی کم است نماد یهودیان نشده. ولی مسلمان ها در مقابل فرهنگ برهنگی ایستادند. اینکه دارم می گویم فقط ایران نیست. بحث من جهانی است. چون در شریعت مسلمانان، حجاب بود. در مقابل فرهنگ برهنگی ناخودآگاه مقاومت کردند؛ حجاب شد پوشش زن مسلمان. ۵۰۰ سال قبل همچنین مسئله ای نداری. ۵۰۰ سال قبل وقتی اسلام می گفته حجاب زنان غیر مسلمان آزاد است؛ معنایش این نبود که زنان غیر مسلمان بی روسری به خیابان می آیند. چون حجاب یک نماد کرامتی بود، نماد اعتبار اجتماعی بود، برای همین زنان غیر مسلمان هم عملاً با حجاب بودند؛ اما اسلام این قالب حجاب را برای مسلمانان قالب گیری کرد. یک کاری کرد می دانست قرن ها بعد این انقلاب جنسی رخ می دهد. جنگ تمدنی رخ می دهد. می خواست امروز ما کم نیاوریم.

خدا قانون های شریعت را برای امروز و فردا نمی گذارد. خدا هزار سال قبل می دانست امروز چه می شود یا نمی دانست؟ ما می گوئیم شریعت خاتم. نفهمیدیم شریعت خاتم یعنی چه.

[در هر صورت بحث ما این بود که پوشیده زنان در تمام جوامع گذشته امری عادی بود] الان در کتیبه های تخت جمشید هم نگاه می کنید زنان حجاب دارند. فرهنگ پوشش تا قبل از انقلاب جنسی، یک فرهنگ جهانی بود.

### ● مقابله مسلمین با انقلاب جنسی

انقلاب جنسی این فرهنگ را گرفت. آنجایی که قانونشان با دینشان گره نخورده بود؛ یعنی جوامع مسیحی، خیلی راحت این مسئله بر فرهنگشان مسلط شد. در جوامع مسلمان، قانون نزد مسلمانان بود؛ نه نزد حکومت. شریعت نزد مسلمانان بود. مسلمانان حجاب را نگه داشتند. چون حجاب را نگه داشتند تبدیل به نماد هویتی شد. اما نگه داشتن حجاب تدبیری بود که فرهنگ برهنگی رواج پیدا نکند تا حیا باقی بماند.

### ● حجاب، پشتوانه حیا

فرهنگ مدرن، فرهنگ ضد حیاست. بر مخالفت با حیا اصرار دارند. حیا در معارف دینی، رده بالایی دارد. رتبه اول. چرا؟ حدیث بخوانم. در کافی جلد ۱ صفحه ۱۰ متنش را نوشتم کاش می‌نوشتم از روی متن می‌خواندم. انقدر این حدیث را گفتم جلد و صفحه‌اش را یادم هست. می‌گوید خدا به جبرئیل گفت حیا، عقل و دین؛ این سه‌تا، را ببر و به آدم بگو از بین آن‌ها یکی را انتخاب کند. جبرئیل آمد به آدم گفت بین این سه تا یکی‌اش را انتخاب کن. آدم نگاه کرد عقل را انتخاب کرد. چه دینی داریم! آدم عقل را انتخاب کرد. جبرئیل به حیا و دین گفت برگردید. این یکی برای آدم است. آن دو تا گفتند به ما دستور داده شده جایی که عقل هست ما باید همانجا بمانیم. حق نداریم برویم. پس عقل و دین و حیا در یک رده هستند.

الادینَ لَمَنْ لَّا حَيَاءَ لَهُ

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ وَاحِدٍ فَإِذَا سَلِبَ أَحَدُهُمَا تَبَعَهُ الْآخَرُ

گفتم حجاب به خودی خودش رده نودم بود، هشتادم بود؛ اما حجاب پشتوانه ای است برای حیا. این پشتوانه تا ۲۰۰ سال قبل تا ۳۰۰ سال قبل در تمام جوامع عادی عمل می‌کرد. انقلاب جنسی چه کار کرد؟ این پشتوانه را زد. در بقیه جوامع، بی حیایی، شروع شد به عادی شدن.

راسل سال‌ها قبل این حرف را می‌زند. می‌گوید عشق شرقی، عشق غربی. می‌گوید عشق غربی، بی خاصیت است، چون زنان دم‌دستند راحت آدم می‌تواند هر کاری بکند. عشق شرقی خیلی باحال است چون زن، پوشش دارد و آدم نمی‌تواند هر زنی را ببیند. شرقی آن زمان، جهان اسلام بود.

شریعت تدبیری کرد که این پشتوانه مهم حیا، حجاب باشد و باقی بماند. خدا در دینش چه کار کرده!

### ❖ عامل چهارم هویتی: سرمایه جنسی

چهارمین محوری که به لحاظ هویتی مهم است، بحث سرمایه جنسی است. الان تیتروار می‌گویم و فردا اگر رسیدیم توضیح می‌دهم.

من دارم چه می‌گویم؟ آن‌هایی که کمی دیر رسیدند ببینند دعوا سر چیست. بحث ما سر این بود که حجاب به خودی خودش یک حکم هشتادم، نودمی است؛ اما وضعیت زمانی ما به گونه است که حجاب در رده‌های خیلی بالا قرار گرفته است. در رده ربا، در رده مبارزه با ربا، رده مبارزه با فقر. لذا در حکومت دینی، یک مسئله است. بحث ما این بود سه مطلب راتا به حال گفته‌ام. یک اینکه حجاب نماد تصویری شده. دوم اینکه حجاب به زن یاد می‌دهد کنشگر زنانه باش اما جنسی نباش. سوم این که انقلاب جنسی در غرب رخ داده. فرهنگ برهنگی رایج شده و اسلام نمی‌خواهد حیا از بین برود. اگر حیا برود؛ دین می‌رود. عقل می‌رود.

### ❖ ورود ادبیات سرمایه جنسی در غرب

چهارمین عامل در دوره خیلی مدرن پیش آمده است. خیلی جدید است. بعد از انقلاب جنسی با فاصله رخ داد. اگر انقلاب جنسی را بگوییم ۱۹۶۰ این حرف‌ها برای نزدیک‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۰ است. بورديو که بحث انواع سرمایه‌ها را خیلی قبل از ۲۰۰۰ مطرح می‌کند، اما بعد از ۲۰۰۰ با کلمه سرمایه جنسی در ادبیات علوم اجتماعی مواجه می‌شویم.

سرمایه جنسی یعنی چه؟

مارکس با سرمایه داری درگیر بود و سرمایه اقتصادی برایش مهم بود. بورديو می‌گوید فقط سرمایه اقتصادی نداریم. آن اوایل دوره مدرن بوده که سرمایه‌دارها سرمایه اقتصادی داشتند. الان سرمایه اجتماعی آمده. یک عده سرمایه اجتماعی دارند و با سرمایه اجتماعی، کار می‌کنند. مثلاً سلبریتی‌ها ممکن است سرمایه اقتصادی شان پایین باشد؛ اما سرمایه اجتماعی آن‌ها بالاست. اتفاقاً بورديو معنای منفی سرمایه اجتماعی را به کار می‌برد. هنوز بورديو بحث سرمایه جنسی را مطرح نمی‌کند. ۲۰۰۰ به بعد در ادبیات غربی خودشان می‌گویند سرمایه جنسی.

## ● معنای سرمایه جنسی

می دانی یعنی چه؟! ساده‌اش را بگویم، تفسیرش برای فردا شب. ساده‌اش یعنی این: نظام سرمایه داری هر چه را ببیند تبدیل به سرمایه می‌کند. با آن، معامله کالا می‌کند. غربی‌ها دیدند در فرهنگ برهنگی سرمایه جدید پیدا کردند. سرمایه جنسی! چه کسی صاحب این سرمایه است؟ خانم‌ها! پس باید نگاه جنسی به زن را تقویت کنند. پس زن باید از سرمایه جنسی‌اش خرج کند.

مثال ساده بزنم. خیلی از مغازه دارها می‌گویند نیازمند یک فروشنده خانم با روابط عمومی بالا هستیم. یعنی چه؟ همه می‌فهمند یعنی چه! یعنی من می‌خواهم، تو سرمایه جنسی‌ات را خرج کنی برای سود من. خانمی که خوش برو و رو نیست، سرمایه جنسی‌اش پایین است. تو سرمایه جنسی بالاداری، من باید مفت سرمایه جنسی‌ات را خرج کنم سود من بالا برود. حالا ان‌شاءالله فردا شب می‌گویم این سرمایه جنسی چه کار دارد می‌کند!

در جهان ما برای اینکه از حقوق زن دفاع کنیم؛ برای اینکه سرمایه جنسی زن برای خودش بماند. اختیار خرجش را داشته باشد. زن می‌خواهد این سرمایه جنسی‌اش را برای شوهرش خرج کند. نمی‌خواهد برای هرکسی خرج کند. صاحب اختیار باید خودش باشد. باید حجاب داشته باشد.

خدا با حجاب چه کار کرده! یک حکم فرعی فقهی گذاشته و دوره مدرن را مدیریت اجتماعی کلان کرده است.

این سرمایه جنسی خیلی بحث دارد. ان‌شاءالله فردا بحثش را می‌گویم. ببینید چه پیچیدگی‌هایی دارد.

قسم خوردن کار مکروهی است وگرنه من قسم می‌خوردم، مطمئن باشید اگر قانون حجاب در این کشور برداشته شود، اولین ضرر کننده‌اش خود زنان هستند و خواهید دید مؤسسات خصوصی و بعد آن، مؤسسات دولتی خانم‌ها را به بی‌حجابی ملزم می‌کنند. اگر این نشد! من این را گفتم، ثبت هم شد. ضبط هم شد. ببینید اگر غیر از این شد! همین الان خبر دارید بعضی مؤسسات خصوصی کارهایی می‌کنند چون حیف است [استفاده نکنند!] سرمایه مفت است. چرا من این سرمایه را استفاده نکنم؟!



بارگیری فایل صوتی جلسه



| اسکن کنید |







| جَلِيسَةٌ سَوِيَّةٌ |



### ● مقدمه: امتحان الهی و بار امانت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَزَعَمْنَا أَنَّكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا آتَانَا بِهِ أَبُوكَ ﷺ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيَّهُ ﷺ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّتِنَا بِتَصَدِّقِنَا لَهْمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّكَ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ |

این سلامی که به حضرت زهرا علیها السلام خواندم فرازی از زیارت نامه حضرت زهرا علیها السلام است، حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان کسی که مورد امتحان الهی واقع شده، مطرح می کند و در قبال این امتحان، حضرت صبر کردند و ادعا می کنیم که ما هم می خواهیم در مقابل آنچه که پدرش یعنی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و وصی او یعنی امیرالمومنین علیه السلام آورده؛ صبر کنیم. یعنی ما هم در رده امتحاناتی که آن ها می خواهند با ما انجام شود، وارد شویم.

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾

ما یک امانتی را بر زمین و آسمان ها و کوه ها عرضه کردیم، ﴿وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا﴾ ترسیدند، جرئت نکردند ﴿وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾ و انسان بردوش کشید. یکی هم شد حضرت زهرا علیها السلام. یکی شد امیرالمومنین علیه السلام. یک عده هم کم آوردند. ظلوم و جهول شدند.

این امانت چیست؟ در خیلی از روایات گفتند ولایت است. مرحوم فیض، روایات را جمع بندی می کند و می گوید اصل این امانت که

ولایت و مصادیق دیگری دارد، اصلش تکلیف است. به تعبیر دیگر اختیار و به تعبیر سوم کنشگری است. یعنی ما می‌توانیم آگاهانه انتخاب کنیم؛ البته ممکن است انتخابی کنیم که ظلم و جهول شویم. موضوع ما درباره حجاب بود و کنشگری زن. حضرت زهرا علیها السلام آن کنشگری است که امتحانش را در رده‌های بالای عالم داده و در فضای کنشگری اش صبور بود. کم نگذاشت. همه‌اش را رعایت کرد و ما هم می‌خواهیم به آن‌ها اقتدا کنیم. البته اقتدا به حضرت زهرا علیها السلام خیلی سنگین است. برای همین هیچ زیارت دیگری از اهل بیت علیهم السلام ندیدم این تعبیر را که **«وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءَ | گمان می‌کنیم ولی شماییم. گمان می‌کنیم شما را تصدیق می‌کنیم. گمان می‌کنیم ما هم صبر داریم.»**

### ● مروری بر جلسات گذشته

بحث ما سر حجاب بود که می‌خواهد کنشگری زن را در دوران مدرن رقم بزند. روزهای قبل بحث ما سر این بود که حواستان باشد؛ حجاب به خودی خودش مثل ۵۰۰ سال قبل ۱۰۰۰ سال قبل این معنایی که امروز دارد را نداشت. برای همین است که حجاب به خودی خودش به عنوان یک حکم فرعی فقهی، در رده‌های هشتادم و نودم قرار می‌گرفت. اولویت آنچنانی نبود برای جوامع. اما وقایعی در جهان رخ داد که حجاب اهمیتش بالا آمد. آن وقایع را یک مقدار روزهای قبل توضیح دادم. امروز می‌خواهم یک مقدار دیگر همان وقایع را توضیح بدهم تا ما بفهمیم خدا چه کار کرده. چطور قانون ۱۴۰۰ سال پیش، وضع امروز را پیش بینی می‌کند. پیش بینی نمی‌کند، خدا می‌داند. دارم با ادبیات خودمان می‌گویم. می‌داند چه می‌خواهد برای ما رخ دهد و برایمان طراحی می‌کند. یاد می‌دهد. خیلی بد است که ما از احکام دین دفاع می‌کنیم. نمی‌رویم با آن‌ها حمله کنیم. خیلی بد است. دینداری مان اشکال دارد. دین الهی! خدا که همه چیز را می‌داند، برنامه داده‌است، ما در مقابل علوم غربی کم می‌آوریم. خب نرفتم دین مان را درست بخوانیم. علوم انسانی جدید می‌تواند انسان را مدیریت کند، خدا نمی‌تواند؟! نعوذ بالله. کم می‌آوریم. چرا؟

حالا من گاهی وقت‌ها از این برخی متفکران غربی اسم می‌برم،

می خواهیم بگویم ما این ها را خواندیم ما هم بلدیم. ولی این نیست. عمق معرفتی پایین است. بگذریم. برویم سراغ بحث خودمان.

### ● عصر نمادهای تصویری

نکته من این بود که حجاب، بعد هویتی پیدا کرد، این بعد هویتی اش خیلی مهم است. این یک طراحی الهی بوده ۱۴۰۰ سال قبل. ولی هرچی بوده این را الان باید بفهمیم. ما با یک پدیده دیگری مواجهیم. فقط با اینکه حیا و عفاف رعایت بشود، مردها تحریک نشوند، سروکار نداریم. با یک پدیده بسیار متفاوت سروکار داریم. دارم مرور سریع می کنم تا پیام بحث مان را بیشتر باز کنم.

گفتیم یک نکته هویتی این است که ما در عصر رسانه های تصویری به سر می بریم. به قول هایدگر در عصر تصویر جهان به سر می بریم. در عصر تصویر جهان، نمادهای تصویری، قیافه افراد موضوعیت دارد. برای همین است که ریگان، رئیس جمهور می شود. بازیگر سینما. این در عصر رسانه های تصویری معنا دارد. برای همین است که این آقای نیل پستمن در کتابش می گوید بعد از پیدایش صنعت تلویزیون، دیگر باید خوش تیپ باشی تا رئیس جمهور شوی. از این بگیرد تا عرصه های مختلف. بعد در این فضا، مسلمان ها که این حکم اسلامی شان به خاطر شریعت شان بود، نگه داشتند، خود به خود نماد تولید شد.

ببینید لباس من هم لباس روحانیت است. برای شما معنی دارد. اما در جهان معنی ندارد. من یک سفری، رفته بودم اجلاس یونسکو حدود ۱۰-۱۵ سال قبل.

در هند بود. طرف آمد گفت: Where are you from?

گفتم: I'm from Iran

گفت: your president is Saddam Hossein?

بین ایران و ایراک (Iraq) فرقی نمی گذاشت. گفت این لباس [اشاره به لباس روحانیت] چیست پوشیدی؟ چقدر قشنگ است. شما هندو هستی؟ بابا ما مسلمانیم. لباس من با اینکه لباس پیامبر است و شما می دانید، نماد نشده در جهان. چون مسلمانان این را نمی پوشند. یک عده ای می پوشند. اما خاتم ها، پوشش شان نماد شد. گفتم اینکه حجاب زن نماد شد کار ما و

انقلاب ما نبود. کار جهانی بود. در عصر تصویر جهان رخ داد.

### ● فینیسیم و کنشگری زن

نکته دوم، کنشگری زن. فینیسیم آمد اصرار کرد که زن‌ها هم کنشگر باشند. چه نوع کنشگری؟ به سبک مردانه. اسلام از اول می‌دانست زن‌ها قرار است کنشگر بشوند، حالا ۱۰۰۰ سال طول بکشد، طول بکشد. یک چیز عجیبی در دستگاه خدا هست. ما باورمان نمی‌شود. خدا صبرش خیلی زیاد است. خیلی زیاد. یک برنامه می‌گذارد، می‌گوید ۱۰۰۰ سال دیگر جواب بگیرد. من چه عجله‌ای دارم. حالا الان برای ما قابل فهم است. شما بروید زمان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ خیلی از شیعیان فکر کردند که امام‌زمان عَلَيْهِمُ السَّلَام بعد از اینکه غیبت کبری شروع شد، کی ظهور می‌کند؟ ۵ سال دیگر، ۶ سال دیگر، ۱۰ سال دیگر، ۲۰ سال دیگر. به آن‌ها می‌گفتی تا ۱۲۰۰ سال بعد هنوز ظهور نکرده، باورش نمی‌شد. این خیلی بحث‌های قشنگی دارد. ما در عین اینکه منتظر امام‌زمان عَلَيْهِمُ السَّلَام هستیم، اما خدا منتظر الکی نیست. **لَا يَعْجَلُ لِإِعْجَالِ الْعِبَادِ** شما عجله داری. خدا عجله ندارد. آمدی به میدان، آمدی پای کار، می‌آید. نیامدی ۱۰۰۰ سال دیگر عقب می‌افتد. برای خدا هیچ مشکلی ندارد. ما آخر انقدر شهید دادیم. خب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم آنقدر شهید داد. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام هم شهید شد. هیچ چک سفید امضایی نداریم. اگر ایستادی، می‌آید و گرنه نمی‌آید.

برای اینکه خدا برنامه‌های خیلی پیچیده دارد. ۱۰۰۰ سال قبل تدبیری کرده‌است که امروز ما این تدبیر را می‌فهمیم. گفته زنان. ما می‌دانیم زنان را حالا حالاها به میدان نمی‌آوردند. به زن‌ها اجازه ورود به میدان نمی‌دهند. اما در غرب نهضت فینیسیت‌ها راه می‌افتد و پرچم دار می‌شوند. الگوی مردانه پیاده می‌کنند. [خدا می‌گوید] من از اولش برای شما مسلمان‌ها یک چیزی گذاشتم، زن‌هایتان یاد بگیرند وقتی می‌خواهند کنشگر اجتماعی بشوند با مردها تفاوت داشته باشند. در عین اینکه زن هستند، کنشگر اجتماعی بشوند. برای همین اگر فینیسیم، واقعا فینیسیم بود، اسلامی بود.

من گفتم فینیسیم غربی، مردسالار است. من می‌خواستم امروز بحث سرمایه جنسی را توضیح بدهم، احساس کردم خیلی دارم غربی حرف

می‌زنم. گفتم بگذار کمی اسلامی هم حرف بزنم. همه‌اش دارم در ادبیات جهانی حرف می‌زنم. [با خودم] گفتم بگذار مقداری حجاب را از منظر عرفانی تحلیل کنم. بابا دست بردار توهم! حجاب و عرفان؟ این‌ها رابه هم می‌چسبانی؟ حالا من می‌چسبم ببین می‌چسبیدی نمی‌چسبید.

### ● حجاب از منظر عرفان اسلامی

علامه طباطبائی رحمته‌الله، یک استدلالی در رساله الولایه یا رساله الانسان می‌آورند. ما محضر حاج آقای عابدینی رحمته‌الله که خیلی از شما این بزرگوار را می‌شناسید، این رساله را می‌خواندیم. با ۱۵ مقدمه یک استدلال می‌آورد. درباره اینکه فنا چگونه با عمل به احکام شریعت حاصل می‌شود. ۱۵ مقدمه عرفانی دارد که من این‌ها را در سه مقدمه خلاصه‌اش کردم. خدمت حاج آقا یکبار گفتم حاج آقا من این‌ها را روی منبر گفتم. گفت آخر این حرف‌ها را آدم روی منبر می‌زند؟ گفتم ما گفتیم مردم هم فهمیدند. حالا من هم می‌گویم، ببینید شما می‌فهمید یا نه. مخصوصاً اگر توجه کنید به وجه کنشگری در حجاب خیلی معنا پیدا می‌کند. آن استدلال را بگویم. می‌خواهم بگویم این مسئله دینی با انسان‌ها چه کار می‌کند. یک موقعی هست که شما با حجاب مثلاً مثل نجس / تمیزی مواجه می‌شوی. نجس / تمیزی هم در اسلام داریم دیگر. یک حکم فرعی فقهی. دستت پاک باشد یا نجس باشد. حجاب داشته باشی یا نداشته باشی. یک مواجهه این شکلی داری. در این مواجهه شاید این حرف‌های من جواب ندهد. ولی امروزه که حجاب تبدیل به کنشگری زن و انتخاب زن، شده است جواب می‌دهد.

قبل از اینکه استدلال عرفانی را بگویم، یک نکته بگویم. یکی از اشتباهاتی که ما آخوندها در بحث‌هایمان داریم؛ این است که گاهی الگورا آنقدر بالا می‌بریم که دیگر افرادی نمی‌توانند به آن برسند. من دیروز یک مقدار درباره حضرت زینب علیها السلام صحبت کردم که الگوی کنشگری زن، حضرت زینب علیها السلام است. حالا کسانی که بودند یادشان هست، دیگر نمی‌خواهم تکرار کنم. بعداً با خودم گفتم نکند باز من این اشتباه را تکرار کنم. حالا می‌خواهم بگویم خانم‌ها

با همین حجاب ساده‌شان چه کارهای عظیمی می‌توانند انجام بدهند. یعنی نیاز نیست که در موقعیت حضرت زینب رضی اللہ عنہا قرار بگیری. برای همین هم می‌خواهم این بحث عرفانی را مطرح کنم. این بحث عرفانی از استدلال علامه رحمۃ اللہ علیہ گرفته شده است. بخواهی مناقشه و بحث فلسفی با من بکنی، باید آن استدلال ۱۵ مقدمه‌ای را بگویم. من در سه مقدمه خلاصه‌اش کردم که ساده‌فهم باشد وگرنه اگر بخواهیم کامل بگویم، خیلی طولانی می‌شود. این سه تا مقدمه هم این است:

بینید خواسته‌ی یک نفر، جزئی از اوست. معلوم است دیگر. من یک چیزی، مثلاً آب دلم می‌خواهد. این خواسته من کجاست؟ خود خواسته‌ام را می‌گویم. آب را نمی‌گویم. اینکه من آب دلم می‌خواهد، این خواسته کجاست؟ جزء من است دیگر. معلوم است؟ خوب. این مقدمه اول. وقتی من یک دستوری می‌دهم، هر کس یک دستور می‌دهد، دارد خواسته خودش را ابراز می‌کند. می‌گویم برای من آب بیاور. شما چه می‌فهمی من آب دلم می‌خواهد؟ دلم می‌خواهد. این خواسته در من است. خوب. این مقدمه اول.

مقدمه دوم، اینکه با دوتا مقدمه دارم می‌گویم. انقدر ساده است الان همه تعجب می‌کنند. وقتی ما دستور خدا را عمل می‌کنیم، دستور هر کس، حالا آدم عادی را شروع کنیم تا برسیم به خدا. دستور یک کسی را عمل می‌کنیم، این دستور با عمل ما در عالم محقق می‌شود. درست است؟ می‌گویند این کار را بکن. مثلاً می‌گویند نردبان را بگذار آنجا. من به شما می‌گویم نردبان را بگذار آنجا. وقتی شما نردبان را می‌گذاری آنجا، خواسته من در عالم محقق می‌شود. درست است؟ می‌گویم آب می‌خواهم. وقتی آب می‌آوری و می‌خورم، به خواسته‌ام می‌رسم. درست است؟ استدلال ما تمام شد. حالا چه شد؟

### ● عمل به دستور خدا، فناء فی الله

دقت کنید. آن استدلال پیچیده علامه رحمۃ اللہ علیہ، اصلش همین دو مطلب است. هر دستوری که خدا داده، خواسته‌ی خداست. علامه آنجا می‌خواهد توضیح بدهد که فناء فی الله چگونه حاصل می‌شود. فناء فی الله در مرتبه فعل. فناء فی الله شنیده‌اید دیگر؟ فانی در خدا شدن. البته در مرتبه فعل، در مرتبه ذات نیست. کسانی که فلسفه



می دانند، می دانند فرقی نیست. فناء فی الله چگونه حاصل می شود؟ آقا! فناء فی الله را باید بروی سیر و سلوک عرفانی بکنی، چه کار بکنی، چه کار نکنی! نه. خیلی ساده است. خدا دستور می دهد، دستور خدا متصل به خدا است. شما دستور خدا را در عالم محقق می کنی، ایجاد می کنی، شما با دستور خدا متحد می شوی، با خدا متحد می شوی. فهمیدی چه شد؟! حالا با یک تمثیلی که از ادبیات دینی استفاده می کنم، این را ساده تر می کنم. استدلال ساده بود. دستور خدا متصل به خداست. شما دستور خدا را در عالم می آوری وارد عالم می کنی. یعنی شما خواسته خدا را وارد عالم کردی. یعنی شما با آن کارت، خواسته خدا را در عالم نشان دادی. خواسته خدا هم که به خدا وصل است دیگر. فناء در مرتبه فعل.

حالا با یک مثال ساده تر بگویم. ما می خواهیم به مقام قرب برسیم. به خدا برسیم. درست است؟ بخواهیم برسیم باید وسیله ای برداریم: ﴿ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ وسیله برداریم برویم به خدا برسیم. ما، خدا، وسیله. شما می خواهی از اینجا که در تهرانی، بروی مشهد. با ماشین می روی. ماشین دم در هست، می خواهیم برویم مشهد. چهار چیز داریم: یکی من هستم، یکی ماشین، یکی تهران، یکی مشهد. حالا وقتی می خواهیم سراغ خدا برویم، این چهارتا با هم قاطی می شوند. یعنی چه؟ یعنی وسیله ای که می خواهی با آن به سمت خدا بروی، عمل توست. | الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ | نماز وسیله تقرب به خدا است. این وسیله، بیرون من است یا جزء من است؟ جزء من است. این نماز را من می خوانم. این نیست که من بروم سوار ماشین بشوم، ماشین آنجا باشد، من اینجا باشم. بخواهم نماز بخوانم شروع می کنم: الله اکبر، نماز می خوانم. پس وسیله، با من که متحرکم، یکی شد. حالا عنصر سوم: مبدأ کجاست؟ خودم هستم. الان تهران غیر از من است. وقتی می خواهم بروم مشهد. اما وقتی می خواهی به قرب خدا برسی، وسیله و مبدا و متحرک، هر سه یکی شد. خب. حالا این وسیله من را چطور سمت خدا می برد؟

این وسیله، خواسته خدا است. چون خواسته خدا است به خدا وصل است؛ تا این وسیله را سوار می شوی به خدا وصل می شوی. نماز که می خوانی، می روی سراغ خدا. | الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ | با نماز به خدا متصل می شوی. فقط باید بفهمی متصل شدی. به این می گویند

حضور قلب. شما بعضی وقت‌ها سوار می‌شوید، نمی‌فهمی سوار شدی، چون نمی‌فهمی سوار شدی، سوار نشدی. فرق وسیله خارجی و معنوی، این است. شما ممکن است وسیله خارجی سوار شوی، نفهمی سوار شدی ولی چون سوار شدی، می‌رود. ولی وسیله‌ای که قرب می‌آورد، باید بفهمی سوار شدی. برای همین است که شما با نماز، معراج می‌روی. معلوم شد؟ سخت بود؟ معلوم است دیگر.

خب. حالا چه ربطی داشت به حجاب؟ دقت کن. گام به گام می‌رویم بین حجاب برای خانم‌ها چه چیز شیرینی است. بعد همه آقایان غصه می‌خورند که چرا حجاب بر ما مردها واجب نشد!

نماز، معراج مومن است. معلوم شد چطور معراج است دیگر؟ وسیله است. شما سوار وسیله می‌شوید، وسیله با خدا متحد است. اگر حضور قلب داشتی، با نمازت به خدا می‌رسی. نیاز هست بروی این طرف و آن طرف تا به خدا برسی؟ نه. تو حضور قلب داشته باش. محضر خدا هستی. به قرب رسیدی و تمام شد و رفت. همه واجبات این طور هستند نه فقط این. نماز چقدر طول می‌کشد؟ برای شما که جزء اولیاء الله هستید، نیم‌ساعت، برای من که جزء آدم‌های عادی‌ها هستم، ۵ دقیقه. ۵ دقیقه به خدا وصل می‌شویم. ای خدا! ۵ دقیقه با حضور قلب می‌شود با خدا صحبت کنیم؟! نمی‌توانیم دیگر. خودت باید تصمیم بگیری. آن نکته کنشگری اینجاست. خودت باید بخواهی تا وصل شوی.

یک واجب دیگر به اسم روزه داریم. دیده اید ماه رمضان عموماً همه خوب می‌شوند؟ آدم‌ها خیلی علیه السلام هم نیستند ولی عمده آدم‌ها خوب می‌شوند. خیلی هم اهل تقوا و ایمان و اخلاص و اینطور چیزها هم نیستند. ولی خوب می‌شوند. می‌دانی چرا؟ چون این وسیله ۱۲ ساعت، ۱۰ ساعت، به خدا وصلت می‌کند. بعد همان موقع که سحری خوردی، قصد قربت کردی، می‌خواهی. غالباً بعد سحر می‌خوابیم. بعد که خوابیدیم تا بیدار شویم، وصل هستیم. بنابراین خواب روزه‌دار عبادت است. هنوز غیبت نکردیم، گناه نکردیم. همین‌گونه که عمل واجب، ما را به خدا وصل می‌کند، عمل حرام ما را از خدا جدا می‌کند. با همین مکانیزم. هنوز چون خوابیدیم بیدار شدیم نیم‌ساعت، یک ساعت، دو ساعت، وصل بودیم، هیچ کاری هم نکردیم. بیدار می‌شویم، اولین غیبت را می‌کنیم، اتصال مان دچار

چالش می شود. حالا روزه را از ما قبول می کنند ولی اتصالات مشکل پیدا کرده. خب، این را می خواهم بگویم که هر کس روزه بگیرد، یک وصل خود به خودی می شود. این وصل خود به خودی حال همه را خوب می کند. شما در ماه رمضان می بینید در مجموع، اغلب آدم‌ها خوب هستند؛ با اینکه گناه هم می کنند. بابا! این از صبح تا ساعت دو بعد از ظهر که اولین گناهِش را انجام داد، غیبت کرد، دروغ گفت، تهمت زد، هر گناهی کرد، تا الان وصل بود دیگر. نمازهای ما ۵ دقیقه است، یک ثانیه اش [متوجه هستیم که] وصل هستیم [خیلی اثر کمی می گذارد اما عملاً] ۵ دقیقه وصل هستیم، خودمان متوجه نیستیم. اگر توجه کنیم، خیلی رشد می کنیم. وگرنه باز هم وصل هستیم. همین نمازهای الکی ای که ما می خوانیم، هم خاصیت دارد. طرف شراب خوار بود، به پیامبر ﷺ گفتند فلانی شراب می خورد. پرسید نماز هم می خواند یا نه؟ گفتند نماز می خواند. گفت درست می شود. صبر کنید درست می شود. شراب خوار نماز می خواند نه اولیاء الله. همین نماز شراب خوار، درستش کرد. ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ اگر می خواهی اولیاء الله شوی، به قرب و فنا برسی، حضور قلب داشته باش. اما اگر حضور قلب هم نداشته باشی، همین نماز کم کم وصلت می کند. فهمیدی چه شد؟ حالا درباره روزه. روزه چه کار می کند؟ عمده آدم‌ها در ماه رمضان خوب می شوند.

یک مثال دیگر بزنم. حج. دیدی هر کس می رود حج برمی گردد، یک صفایی پیدا می کند؟ حالا این صفا زمانش فرق می کند. یک کسی تا یک ماه با صفا است. یک کسی تا یک سال با صفاست. دیدید یا ندیدید؟ چرا؟ چون شما در حج، یک عمل عبادی سه چهار روزه دارید. از وقتی احرام می کنی، مُحرم هستی، وصل هستی. حج مثل نماز می ماند. یک عالم کار نباید انجام بشود. یک عالم کار باید انجام شود. مثل روزه می ماند. نیت می کنی، کسانی که رفتند حج می دانند. اول نیت می کنی، مُحرم می شوی، در احرام هستی، می خوابی، امروز، فردا، سه روز. در روزه یک صبح تا عصر بود، قطع می شد. شب قطع بودی. دوباره یک صبح تا عصر بود، باز قطع می شد. ولی در حج، سه چهار روز متصل هستی. حالت عوض می شود. خودت هم متوجه نیستی. حج، خاصیتی دارد بیشتر از روزه. برای همین فقط

آدم‌های خیلی علیه السلام حج نمی‌روند، ولی کسانی که حج رفته اند، لااقل یک مدتی باصفا هستند. خب این در قرب به سر برده. خودش متوجه نبوده.

حجاب یعنی زن وقتی می‌خواهد در جامعه وارد شود، کنشگری اجتماعی زن، با قرب گره خورده است. «یک - هیچ» به نفع خانم‌ها علیه ما! ما این لباس را که می‌پوشیم، مستحب است. واجب که نیست. علامه رحمۃ اللہ علیہ آنجا تحلیل می‌کند. مستحب، هیچ وقت خاصیت واجب را ندارد. چون فرق مستحب و واجب این است که در واجب فقط اراده خدا ملاک است، اما در مستحب هم اراده خدا ملاک است هم اراده من. واجب باید حتما انجام شود. خدا گفته باید انجام شود. دلم می‌خواهد، نمی‌خواهد، نداریم. مستحب چیست؟ خدا گفته اگر دلت می‌خواهد انجام بده. بعد علامه رحمۃ اللہ علیہ آنجا تحلیل می‌کند که مستحب خاصیت واجب ندارد. برای همین خانم‌ها با حجاب‌شان کاری در عالم می‌کنند که ما با لباس روحانیت نمی‌توانیم این کار را بکنیم. (این‌ها را به این جهت گفتم که یک نکته معنوی - عرفانی هم بگویم، فقط غربی‌اش را نگویم). مخصوصاً در دوره‌ای که حجاب تبدیل به کنشگری زن شده. تبدیل به عرصه کنشگری زن شده. قبلاً این عرصه نبود. چرانبود؟ چون عمده جوامع، حجاب داشتند. پوشش زنان دیگر هم همین بود که ما مسلمانان داشتیم. برای همین خیلی کار دینی قلمداد نمی‌شد. برای همین خیلی بحث هم درباره‌اش نمی‌شد. ولی وقتی که الان زن‌ها می‌آیند بیرون، می‌دانند کار دینی می‌کنند. همان‌طور که راهبه مسیحی می‌داند کار دینی می‌کند. معلوم است؟

بین خدا چکار کرده!

حالا که وقت هم داریم. سرمایه را بگویم. بعد سرمایه می‌خواستم نظرات جامعه‌شناسان را نقد کنم. برخی از جامعه‌شناسان یک چیزهایی می‌گویند که آدم اعصابش خرد می‌شود. حال این سرمایه را بگویم تا ببینید چه چیزی را چطور تفسیر می‌کنند. بگذارید سرمایه را هم بگویم.

### ● نظام سرمایه‌داری

ما در دوره نظام سرمایه‌داری به سر می‌بریم. می‌خواهم سرمایه جنسی را

توضیح بدهم. یکی از امور دیگری که موجب شده حجاب، یک معنای خاصی داشته باشد؛ این معنا قبلا نبود و چون این معنا هست، خیلی فرق کرده. این را قبلا مثال زدم که حجاب مثل پرچم می ماند. پرچم یک تکه پارچه است؛ به خودی خود ارزشی ندارد ولی اگر این پارچه سبز و سفید و قرمز باشد و یک علامت الله هم وسطش باشد، این را اگر یک عده ای بگیرند پاره اش کنند، ما غیرتی می شویم. ما ایرانی ها غیرتی می شویم. شما با آمریکا دشمنی دارید، پرچمش را آتش می زنید. حالا پرچمش را آتش زدید، چه شد؟ آهان. خیلی چیزها شد. آن ها علیه ما موضع می گیرند. ما دعوا می کنیم. این معنا دارد. ببینید خیلی وقت ها معنای رفتار، مهم تر از فیزیک رفتار است. در تربیت بچه، می گویند یک کاری کن، به جای اینکه بزنی در گوشش، یک «تو» به او بگویی، طرف خجالت بکشد. بعضی ها اینطور هستند. آنقدر بچه را با کرامت تربیت می کند، به او یک اخمی بکند، معادل این است که آن یکی بیست تا سیلی در گوش بچه اش بزند. معنای رفتار را تقویت کنیم. یک جا معنای رفتار، خود به خود تقویت می شود. مثل پرچم. این ها معنایی دارند. این همه سرود هست. سرود ملی فرق می کند. وقتی سرود ملی می خوانند، بلند شو بایست. چرا بلند می شوی می ایستی؟ فهمیدی چه شد؟ این معنا معلوم است؟ من حرفم این است. معنای حجاب عوض شده. ما معنای امروزی اش را درست به مخاطبان نمی گویم. یکی از چیزهایی که موجب شده، معنای حجاب عوض شود، نظام سرمایه داری است که عدم حجاب را تبدیل کرده به سرمایه جنسی. این را می خواهم یک مقدار توضیح بدهم.

ببینید نظام سرمایه داری می داند چه بلایی سر ما آورده؟ آقای اریک فروم، (ببخشید مثال غربی می زنم، می خواهم بگویم این غربی ها بعضی چیزها را خوب فهمیدند. آن ها هم این ها را فهمیدند. چه برسد به ما.) آقای اریک فروم، کتابی دارد به اسم داشتن یا بودن، آنجا چه می گوید؟ می گوید نگاه کنید ارزش ما به چیست. به دارایی هایمان یا به خودمان؟ شما در نگاه دینی این را خوب می دانید. علمی که جزء ذاتت شود و رشد بیاورد، ارزشت را بالا می برد. اخلاق چرا ارزش را بالا می برد؟ چون اخلاق، امر درونی شما را متحول می کند. اخلاق مایه ارزش است. هنر چرا مایه ارزش است؟ چون می گوید طرف یک چیزی

در خودش دارد. یک مایه‌ای دارد. این‌ها واقعیت وجودی من است. این می‌شود بودن من. اما این لیوان، این عبا، ارزش من به داشتن این است؟ ارزش من به موبایل من است؟ به وسایلی است که دارم؟ ارزش ما که به این‌ها نیست. چون این وسایل را از ما بگیرند، من همان هستم. در حالی که اگر علم من، علمی که جزء ذات من شده، از من بگیرند، دیگر من نفهم هستم. ببخشید بیشعورم. در معنای لغوی اش می‌گویم. کسی که شعورش را از دست بدهد، ارزشش را از دست داده. فرق داشتن و بودن معلوم است؟ نظام سرمایه‌داری بلایی بر سر انسان‌ها آورده که سعی می‌کنند بودن را ول کنند، بچسبند به داشته‌ها. [در نظام سرمایه‌داری] آن چیزی که مهم است، سرمایه است. در قضاوت‌هایتان، سرمایه مهم است. سرمایه یعنی چه؟ یعنی آنچه بتوانی مبادله کنی و بابت آن پول بگیری. ارزش انسان‌ها به سرمایه‌داری شده است. مثال بارز آن در کشور خودمان این است که الان چه رشته‌هایی رو بورس است؟ افراد چه رشته‌هایی می‌روند؟ رشته‌ای که پول داشته باشد. چرا پزشکی و برخی از رشته‌های مهندسی خیلی رو بورس هستند ولی حوزه علوم انسانی اینقدر رو بورس نیست؟ چون پول آنجاست. زمان قدیم کسی پزشک می‌شد، زمان قدیم نه فقط در مسلمانان، زمان بقرات و سوگندنامه بقرات، زمان قدیم هرکس پزشک می‌شد اول سوگند می‌خورد می‌خواهم یک عمل انسانی انجام بدهم. من، انسان‌ها، پول، هیچ چیزی برایم مهم نیست. هنوز که هنوز است فارغ‌التحصیلان پزشکی، سوگندنامه بقرات را می‌خوانند. سوگند می‌خورند. ولی آن چیزی که در واقعیت اجتماعی می‌بینیم چیست؟ آقا اینقدر به حسابم بریز و گزنه معالجات نمی‌کنم. وارد بیمارستان که می‌شوی، اول پول را بریز. چرا؟ چون ارزش من به علمم نیست. علمم اگر ارزش دارد، از این جهت است که برایم پول درمی‌آورد. فهمیدی چه شد؟ چرا این رخ داد؟ حالا بخواهم تحلیل کنم، وقتان هم گرفته می‌شود که چه شد ما به اینجا رسیدیم.

● **ارزشمندی سرمایه در نظام سرمایه‌داری و بی‌ارزش شدن انسان**  
 کالا از کارگر جدا شد. کالا از کارگر جدا شد یعنی چه؟ کمی از پیچیدگی‌هایش بگویم. چون بعداً در بحث سرمایه‌جنسی

می‌خواهم از آن استفاده کنم. این آقای مارکس، مارکس که برای مارکسیست‌هاست این را خوب تحلیل کرده. حرف خوب هم دارد. با خدا مشکل دارد ولی برخی تحلیل‌های اجتماعی‌اش قشنگ است. می‌گوید کارگر از کالا جدا شده. در نظام سنتی، کالا با کارگر گره خورده بود. یعنی چه گره خورده بود؟ الان نمونه‌اش را شما در صنایع دستی می‌بینید. دقت کنید در نگاه سنتی، صنعتگر و هنرمند یکی بود. دوتا نبود. کسی که چیزی را می‌ساخت، هنر خودش را در آن نشان می‌داد. الان هم همین است. آن چیزی که صنایع دستی است، همه‌اش هنری است. اگر شیخ لطف‌الله در اصفهان، مسجد می‌ساخت، معرف این مسجد، شیخ لطف‌الله بود. الان این مسجد دانشگاه امام صادق علیه السلام را چه کسی ساخته؟ نمی‌دانیم. چون در دوره انقلاب صنعتی به سر می‌بریم. ولی در اصفهان که می‌گویند مسجد شیخ بهایی، مسجد شیخ لطف‌الله، کالا با کارگر - کارگر کسی که کار انجام می‌دهد - گره خورده بود، گره وجودی؛ برای همین افراد با شغلشان رشد معرفتی انسانی می‌کردند؛ برای همین انسان‌ها به خاطر شغلشان اعتبار اجتماعی داشتند، می‌گفتند اوستای نجار، اوستای آهنگر، این اوستای آهنگر در منطقه‌ای که زندگی می‌کرد، برایش اعتباری داشت که اگر یک کسی پول بیشتری از این داشت، این قدر اعتبار نداشت؛ برای همین هر وسیله‌ای که می‌ساخت، می‌گفتند اوستا فلانی ساخته. اما ارتباط کارگر و کالا در انقلاب صنعتی چه شد؟ تقسیم کار رخ داد. تقسیم کار یعنی چه؟ شروع داستان‌ش را اینطور می‌گویند. می‌گویند ظاهراً یک کسی بوده یک کارخانه کفش داشته؛ هر کسی - مثلاً سی نفر - برایش کفش تولید می‌کرده، این سی نفر هر کدام روزی دو تا مثلاً کفش درست می‌کرده، می‌شده چند تا؟ روزی شصت تا. این گفت به جای این که هر کسی بیاد یک کفش درست کند، یک کسی فقط چرمش را ببرد یک کسی کف آن را درست کند، یک کسی دوختش را بزند. اگر روزی شصت تا کفش (قبلاً) درست می‌شد، با تقسیم کار روزی دویست تا کفش (بعد تقسیم کار) تولید شد. تقسیم کار در جهان رخ داد، تکنولوژی رشد کرد؛ در تقسیم کار شما نمی‌توانی بگویی این مرسدس بنز را چه کسی ساخته؟ برای همین استاندارد می‌آید؛ استاندارد

در صنایع دستی برود خرابش می‌کند، باید کاملاً همه‌شان یکسان باشند، معلوم نباشد هنرمند کیست و این هنرمندها بیکار شدند بروند یک جای دیگر کار هنری بکنند. هنرمندان، آن طرف و صنعتگران این طرف. صنعتگر هویت خودش را با کارش به دست نمی‌آورد، با پولی که از کارش به دست می‌آورد؛ صنعتگر سرمایه دار است - همه سرمایه دار هستند - سرمایه ات مهم است. یعنی دیگر خودت مهم نیستی؛ در نگاه سنتی اگر یک شیخ لطف الله داشتی - حالا این مسجد را نمی‌خواهم بگویم یک کالای مهم دیگر مثلاً عمارت عالی قاپو - عمارت عالی قاپو و سازنده‌اش کدام مهم تر بود؟ سازنده. چرا سازنده؟ چون اگر عمارت را خراب کنی برایت یکی دیگر می‌سازد. وقتی کالا با کارگر متحد است. در نگاه سنتی کالا و کارگر کدام مهم است؟ کارگر.

شهید مطهری رحمۃ اللہ علیہ در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام اثر کار در اسلام را بحث می‌کند؛ شما دائماً - این کاری که آقای مطهری می‌گوید کار دوره سنتی است - با کار خودت، خودت را رشد می‌دهی، هنرت را رشد می‌دهی، توانایی‌هایت را رشد می‌دهی، ذکاوتت را رشد می‌دهی، خودت هستی؛ در انقلاب صنعتی کالا از کارگر جدا شد. برای همین اگر الان یک ماشین مرسدس بنز داشته باشیم و یکی از این کارگرهای کارخانه مرسدس بنز را، کدام بیشتر می‌ارزد؟ ماشین. چرا؟ چون ماشین چند میلیارد تومان است. کارگر کم اهمیت‌تر از کالا است، چون یک نفر دیگر جای این کارگر را می‌گیرد. این کارگری که می‌گویم پزشک و مهندس و ... همه کارگر هستند و هر کارگری در افق سرمایه داری می‌افتد، یعنی سعی می‌کند با کار خودش سرمایه به دست بیاورد نه هویت؛ نه اعتبار، نه رشد شخصیتی، اگر کارش خیلی خوب بود حق ندارد در این ماشین خاصی که زیر دستش پیچش را می‌چرخاند کاری انجام بدهد و ایده‌اش را پیاده کند، بلکه باید برود به بالا دستی‌ها بگوید آن‌ها اگر دیدند خوب است، در کلیت خط تولید راه بیندازند. کارگر حق ندارد هنر خودش را در کالای مورد نظر اعمال کند. نظام سرمایه داری می‌گوید ببین چه چیزی به پول قابل تبدیل است، آن می‌ارزد؛ معالجه انسان‌ها قابل تبدیل به پول است، پس آن می‌ارزد؛ ساختن خانه قابل تبدیل است، می‌ارزد؛



در فضای ما می شود منبر رفتن، قابل تبدیل به پول است، پس می ارزد! ما اولی که خواستیم مُلبَس بشویم، یکی از آقایان به من گفت فلانی منبرت را که رفتی آمدی پایین با سرعت می روی بیرون. گفتم چرا؟ گفت به خاطر اینکه طرف نگوید برای پول منتظر ماندی. پول هم که دادند اول نمی گیری. من از امثال خودم شروع کنم؛ منبری ای که می گوید آقا این قدر می گیرم می آیم، این در نظام سرمایه داری کار می کند ولو منبر امام حسین علیه السلام برود. (این) نظام سرمایه داری است؛ منبری شما را هم سرمایه دار می کند. همه چیز را باید با پول بسنجید!

### ● سرمایه جنسی

بعد از انقلاب جنسی، بعد از رواج فرهنگ برهنگی، یک دفعه دیدند یک سرمایه ای بود که ما تا حالا حسابش نکرده بودیم، آن هم سرمایه ی جنسی است که مشخصا خانم ها دارند. اگر این را وارد سیستم کنیم پول بیشتری گیرمان می آید. ساده ترین و اولین کاری که کردند این است که زن ها را برای تبلیغات بردند. این ساده ترین و دم دست ترینش بود. چون با این زن، کالا بهتر فروش می رود. بعد گفتند چرا به این بسنده کنیم؟ اصلا چرا به او پول بدهیم و سرمایه اش را استفاده کنیم؟

فرهنگ برهنگی، مشکل را حل کرد؛ بدون اینکه به او پول بدهیم، از سرمایه اش استفاده می کنیم؛ دیروز مثال زدیم برایتان. صاحب شرکت می نویسد یک فروشنده خانم با روابط عمومی بالا نیاز است؛ روابط عمومی بالا یعنی چه؟ خانم چرا؟ حالا یک آقا با روابط عمومی بالا قبول نیست؟ نه دیگر. این سرمایه جنسی دارد، روابط عمومی توضیح آن است. این سرمایه جنسی دارد، من می توانم با این خانم فروشم را ببرم بالا. در اداره منشی من خانم باشد؛ چرا؟ خب آدم حالش هم بهتر می شود! همین طور بروید عرصه های مختلف اجتماعی را نگاه کنید. در عرصه های مختلف اجتماعی، چطور می توانیم از این سرمایه استفاده کنیم؟ برای همین در فضای غربی زن با دو الگو به عرصه ی اجتماع وارد می شود:

۱ | الگوی مردانه که فینیسست ها دنبال آن هستند

۲ | الگوی کالا که نظام سرمایه داری دنبالش می کند.

این که گفتم برخی جامعه شناس ها حرف می زنند اعصاب آدم

خورد می شود، طرف (کلیپش را احتمالاً دیدید) می آید می گوید می دانید حجاب چیست؟ هدف حجاب، سلطه مردان بر زنان است. بدن مندی زنان مهم شده، بدن زنان مهم است، زنان می خواهند اختیار بدنشان را خودشان داشته باشند، برای همین است که آقایان می خواهند با اجبار حجاب کاری کنند که اختیار بدن زنان دست مردان باشد.

آیا این طور است؟! حجاب یعنی زن می گوید اختیار بدنم دست خودم باشد، چرا دست تو باشد؟ غرب می خواهد اختیار بدن زنان مفت باشد؛ هر کس دلش خواست هر طور دلش خواست از این استفاده کند. در اسلام از اولش گفته بود این خانم که جذابی دارد، جذابیتش قیمت دارد. کسی حق ندارد بدون پرداخت قیمت، سراغ جذابیتش برود؛ او را می خواهی، مهریه بده، نفقه بده، برایش خرج کن. مردی؟ از این جذابیتهای ناداری؟ دلت جذابی می خواهد؟ خرج کن، هزینه کن، نه این که زن ارزشش این است. زن احترام دارد، زن کرامت دارد؛ اما در عرصه بدنش هم ارزش دارد. سرمایه دار حق ندارد این بدن را برای مطامع سرمایه داری خودش استفاده کند. دقت کنید سرمایه دار که دارم می گویم فقط صاحبان شرکت نیستند، همه ما سرمایه دار شدیم. همه فقط از شغلشان کاسب نیستند، از هزار جای مختلف کاسب هستند. چون نظام سرمایه داری این است. می گوید هر چیزی که قابلیت تبدیل به پول دارد قابلیت تبدیل به پولش را جدی بگیر. این نظام سرمایه داری است. بدن خانمها قابلیت تبدیل به پول دارد، چرا این را جدی نگیریم؟ تازه به تعبیری که بورديو (مردم شناس و جامعه شناس فرانسوی) می گوید، فقط پول هم نیست؛ سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه (های) دیگری هم داریم.

چون بدن مندی زنان مهم است، زنان حجاب را انتخاب می کنند. همین که به قول شما ما داریم زور می گوئیم، داریم کاری می کنیم از بدن زنان استفاده بشود یا اختیار بدنشان دست خودشان باشد؟ من که قبلاً گفتم باز هم می گویم من با اجبار مخالفم، طرفدار قانون هستم و ان شاء الله اگر خدا توفیق بدهد امروز که نمی رسم فردا توضیح می دهم چطور می شود قانون باشد و اجبار نباشد. چرا ما همیشه صورت مسألهها را غلط می فهمیم؟ خود زن مسلمان در دوره ی مدرن می خواهد بدنش مال خودش باشد. خودش انتخاب کند چه کسی از او لذت ببرد، بعد

آن‌هایی که می‌خواهند این‌را از زن بگیرند، آن‌ها خیرخواه زن شدند؟ ما که پیشنهاد حجاب می‌دهیم، ما می‌خواهیم سلطه پیدا کنیم! نه. تو می‌خواهی سلطه پیدا کنی؛ برای همین است که در این جریانات بیش از اینکه زن‌ها وارد میدان بشوند شعار زن زندگی آزادی بدهند، مردها شعار دادند؛ چرا؟ چون او می‌خواهد استفاده خودش را ببرد، چون آزادی که او می‌گوید، آزادی مرد است در استفاده از زن. ما می‌گوییم آزادی یعنی آزادی زن در تصمیم گرفتن برای خودش. بله. خوب تبلیغ نکردیم، خوب توضیح ندادیم، خوب برای زن‌هایمان توضیح ندادیم، زن الآن فکر می‌کند رها باشد آزاد باشد، راحت تر است.

### ❁ نهی از منکر در فضای کرامت

یک گفت‌وگویی یکی از دوستان در یکی از این گروه‌ها گذاشته بود با یکی از این خانم‌هایی که روسری‌اش را برداشته بود. گفته بود خیلی بیشتر دارم اذیت می‌شوم؛ پرسیده آخر چرا برداشتی؟ پاسخ داده می‌خواهم حال این آخوندهای فلان فلان شده را بگیرم. خود آن زن که الآن حجابش را برداشته، می‌بیند دارد اذیت می‌شود، می‌بیند چطور نگاهش می‌کنند و سرمایه جنسی او را به غارت می‌برند؛ ولی چون حالش از دست من آخوند گرفته است - که خیلی وقت‌ها هم حق هم دارند، ما خیلی وقت‌ها بد عمل کردیم - چون حالش از دست من گرفته است، این قدر لجبازی با من برایش مهم است که حاضر است اذیت شود، حاضر است سرمایه‌اش را هدر بدهد.

در امر به معروف و نهی از منکرمان اشتباه می‌کنیم. بلد نیستیم و خلاف عمل می‌کنیم. امر به معروف و نهی از منکر در همین شرایط امروز (که اوضاع می‌دانید چگونه است) جواب می‌دهد. اول حجاب را درست بفهم بعد برو نهی از منکر یا امر به معروف بکن. ما حجاب را غلط فهمیدیم، مهم‌ترین کارکرد حجاب، بالابردن ارزش زن است. شهید مطهری رحمته‌الله علیه می‌گوید کرامت زن است. ما می‌خواهیم کرامت زن حفظ بشود. مگر می‌توانی با توهین به کسی کرامتش را حفظ کنی؟ نهی از منکری که در آن توهین باشد، بد اخلاقی باشد، از بالا به پایین باشد، کرامت است؟ یا تحقیر است؟ تکریم یا تحقیر است؟ تو کرامتش را حفظ کن، در فضای کرامت برو نهی از منکر کن، به او

توجہ بدہ کہ تو کریم هستی، بارزش هستی، خاتم بی حجاب تو خیلی ارزشمندی، و حیف است ارزشمندی خودت را نادیده بگیری.

یک مثال ساده بزنم. به جای اینکه اینطور که در خیابان می روی خاتم‌ها را نمی از منکر می کنی، اگر فامیل نزدیک خودت دختر عموی خودت، دختر خاله خودت، بی حجاب باشد چطور به او می گویی؟ همانطور که در خیابان به آن خاتم گفتی؟ البته برخی‌ها هستند اینجا را هم آنطور عمل می کنند، کلا فقط بلدند داد بزنند؛ ولی اغلب منظور من را می فهمند یعنی اگر خواهرت که دوستش داری، بی حجاب بشود چطور می روی؟ این قدر تحویلش می گیری که برگردد. با حجاب بشود. حیف است تو به این خوبی. تو به این خوبی حیف نیست؟

اگر این پیامک‌های نیروی انتظامی دست من بود به آن‌ها توصیه می کردم - گوش نمی دهند - اگر دست من بود می دانی چه پیامکی می فرستادم؟ می گفتم حداقل قبل از این که جریمه کنی، تا ده بار پیامک‌های خیلی باحال برایش بفرست طرف کیف کند؛ تو چقدر آدم خوبی هستی. اینطور شروع کن، آخرش به جمله بنویس آخر حیف نیست؟ تو انسان با شرف، تو انسان با کرامت، تو خاتم با حیا، حیف نیست؟

خب شما به این شیوه نمی از منکر بکنید ببینید جواب می گیرید یا نمی گیرید؛ مسئله حجاب این است که اولین مسئله‌اش این نیست که مردها خودشان را کنترل کنند. مردها برونند خودشان را کنترل کنند. اولین مسئله‌اش این است که زن حرمت دارد، زن کرامت دارد، مردها نباید زن را سرمایه جنسی خودشان کنند، نباید بدن زن ایزاری بشود برای مردها، برای صاحبان سرمایه. زن، کرامت دارد، کرامتش را جدی بگیر. برای همین است که حجاب، در قبال دو الگوی که برای ورود زنان در غرب به جامعه مطرح بود، طراحی شده است.

### ● مقابله حجاب با دو الگوی غربی

در غرب دو الگو برای ورود زنان مطرح کردند:

۱ | الگوی فینیست‌ها که می گوید مثل مردها وارد شو. در اینجا همیشه زن موجود دست دوم است. زن، جنس دوم است. فینیسم چقدر جلو

رفته است؟ هنوز زن، جنس دوم است. برایتان در عرصه‌های سیاسی مثال زدیم. مثال زدیم. برو در جهانی که فینیسیم این قدر رشد کرده، تعداد وزیران مرد و وزیران زن را بشمار. تعداد رئیس جمهورهای مرد، رئیس جمهورهای زن را بشمار. ۲ | الگوی دوم برای ورود زن، ورودش همراه با سرمایه جنسی است. ورودی که بشود از او استفاده کرد.

اسلام با حجاب هر دو تا را پاسخ داده. گفته سرمایه جنسی نه، تو کریمی، تو با حیایی، تو با عفتی، تو ارزش داری، تو بزرگی، تو مهمی و کنش‌گر اجتماعی هستی. جلوی مردها زنانه وارد شو؛ نه زنانه‌ی جذاب جنسی، زنانه‌ی با اعتبار، اُخت الجلال بنت الوقار [اشاره به قسمتی از مثنوی عاشورایی عمان سامانی که راجع به حضرت زینب علیها السلام است]. در مقابل مردها اینطور وارد شو. اگر این الگو مستقر بشود واقعا حجاب مسئله ماست؟! ما اگر اینطور به خانم‌ها یاد داده بودیم، مسئله می شد؟! البته همیشه هم می‌توانیم برگردیم.

· اَجَلِسَةُ سُؤْمِ ·

بارگیری فایل صوتی جلسه



| اسکن کنید |

رَشِيَّةٌ رَهْلَةٌ وَرِيَّةٌ غَابِرَةٌ مَطَهْرَةٌ بِسْمَلٌ وَهَلَالٌ  
فَاطِمَةٌ سَمِيَّةٌ صَبِيحَةٌ رِيَّانَةٌ قَاضِيَةٌ حَكِيمَةٌ عَزَلَةٌ

# کُوچِه پَر فِدَتِ بِه و نَعُو غَا سِتِ هِنُو نَرُم

حُزَاءٌ صِدْقَةٌ نَقِيَّةٌ نُوْرَةٌ مَحَنَةٌ حَابِيَّةٌ طَيِّبَةٌ  
اَنْسِيَّةٌ شَكِيَّةٌ كَرِيْمَةٌ طَائِرَةٌ عَلِيَّةٌ مَرْوَةٌ تَقِيَّةٌ



## | جَلِيْسَه چَهَارُم |



فناظرة منتظ

فناظرة منتظ

- حواء
- صفية
- نعمته
- نورته
- محرمة
- انسنة
- شوقه
- ركبة
- طاهرة
- رشدة
- رهافة
- وفاة
- غاية
- فاطمة
- سيدة
- رضية
- حكاية
- فاصلة





### ● مروری بر مباحث گذشته

بحث ما درباره حجاب و فهم درست مسئله حجاب بود. اگر فهم درست مسئله حجاب در جامعه حاصل شود، عمده مسئله ای که با آن مواجه هستیم، حل می شود. مرور مختصری می کنم و بعد سراغ آخرین فراز بحث می روم. عرض بنده این بود که حجاب به خودی خود، مسئله ای دسته هفتم و هشتم است؛ اما شرایط اجتماعی کاری کرده که مسئله مهمی شده است. مانند مسئله توتون و تنباکو که به خودی خود مسئله خیلی فرعی بود اما در یک موقعیتی استعمال توتون و تنباکو به منزله محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. این را که انسان می خواهد بفهمد نباید فقط احادیث را ببیند که چقدر به حجاب پرداخته اند. باید شرایط اجتماعی زمان را بفهمد. در زمان، مسئله می تواند عوض شود. در بحث های قبلی ام چهار دلیل آوردم که چرا عوض شدن زمانه، حجاب را عوض می کند. تیتروار خدمت شما عرض می کنم:

یک مطلب این بود که ما در عصر رسانه های تصویری زندگی می کنیم. ما در عصری زندگی می کنیم که به قول هایدگر، عصر تصویر جهان است. عصری است که نمادهای تصویری، جایگاه بسیار مهمی پیدا کرده اند. فهم انسان ها با دیدن حاصل می شود. دیدن، یک موضوعیت خاصی در فرهنگ پیدا می کند. برای همین است قبل از اینکه انقلاب کنیم و این مسائل را مطرح کنیم غربی ها با حجاب ما درگیر شده اند. آمدند در عثمانی، آتاتورک بی حجابی را مستقر کرد. بعد در ایران، رضا خان بی حجابی را مستقر کرد. چرایی حجابی؟ چون

نماد است؛ وارد عرصه نمادی شده است. الان مجله تایمز بخواد بگوید که این شماره‌ام در مورد اسلام است، کافیسست عکس یک زن با روسری بگذارد. همه می فهمند که این شماره در مورد اسلام است. این ربطی به انقلاب ما ندارد؛ قبل از انقلاب ما این وضعیت رخ داد.

مطلب دوم، جریان فمینیسم در جهان است. زنان به نحو سنتی در پستوها بودند. در متن جامعه نبودند؛ چه جامعه ما و چه جوامع غربی! نهضت فمینیسم در غرب رخ داد. غربی‌ها گفتند زنان را به وسط میدان بیاوریم. زنان خودشان گفتند وسط میدان بیاییم. گفتند زن هم می خواهد کنشگر اجتماعی باشد؛ اما مدلی که نهضت فمینیسم تعقیب کرد، مدل مردانه بود. سیمون دوبوار، عنوان کتاب معروفش را "زن، جنس دوم" گذاشت. هنوز که هنوز است، با تمام تلاشی که فمینیست‌ها کردند، (نه در ایران، بلکه در جهان) زن جنس دوم است. زن به مثابه مرد می خواهد وارد میدان شود. من در یک سخنرانی گفتم زن، نامرد شد! زن می خواست مرد باشد! خب مرد نمی شود؛ چون زن است! برای همین شد دست دوی مرد! هنوز هم در جهان همین است. علی رغم تلاش‌هایی که کرده اند. این‌هایی که می گویم شواهد مهمی است. در میان سیاستمداران جهان که منصب دارند بگردید چند نفر از آن‌ها مرد و چند نفر زن هستند. همیشه خانم مرکل را جلوی چشم ما می گذارند و می گویند ببینید! حالا چند نفر رییس جمهور زن در دنیا غیر از خانم مرکل پیدا می کنید؟! چند وزیر زن پیدا می کنید؟ (وزیر خارجه بلی! آن هم دلیل خاصی دارد.) بقیه وزرا چند نفرشان زن اند؟ پس همچنان زن جنس دوم است. اسلام می گوید همانطور که مرد جنس اول است، زن هم جنس اول است. اصلا این‌ها اول و دوم ندارند! برای همین اسلام می گوید زن اگر می خواهد کنشگری اجتماعی داشته باشد، با حفظ زنانگی خودش! معلوم باشد که زن است؛ نه مرد. برای همین می گوید مدل ورودت در جامعه باید با حجاب باشد. همه از ابتدا بدانند که تو زن هستی و نه مرد.

نکته سوم که به همین نکته مرتبط است، نظام سرمایه داری بود. نظام سرمایه داری، زن را به مثابه یک کالا می خواهد. می خواهد از سرمایه جنسی زن استفاده کند. اسلام می گوید نه! امر جنسی غیر از امر جنسیتی زن است. زن به عنوان زن باید وارد جامعه شود اما نه با

لحاظ جنسی! نباید سرمایه جنسی برای دیگران شود. این، نکته سومی بود که مسئله حجاب را مهم کرد. فرهنگ برهنگی می خواهد زن را به عنوان کالای جنسی وارد جامعه کند. اسلام می گوید نه. زن وارد جامعه می شود؛ در عین حال کالای جنسی نمی شود. روز اول عرض کردم، این حدیثی که متاسفانه نمی دانم چرا همه آن را بد می فهمند، حدیث حضرت زهرا علیها السلام، "بهترین چیز برای زن این است که مردی او را نبیند و او هم مردی را نبیند". نه به این معنی که به جامعه نیاید؛ همین دینی که این را گفت، کنارش قانون حجاب را واجب کرد. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِئِهِنَّ» چرا «يُدْنِينَ»؟ چون قرار است مردها را ببینند و آن ها هم مردها را ببینند اما با حفظ حریم. یعنی قانونی که حضرت زهرا علیها السلام گفت، اصل کلی است. اصل بر عدم اختلاط است. تا جایی که ضرورت ندارد، زن و مرد همدیگر را نبینند. اگر ضرورت ندارد، زن و مرد در یک اتاق ننشینند. اما اگر جایی ضرورت دارد، خانم ها وارد جامعه شوید و حجاب داشته باشید. «ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ». چون قرار است زن با کرامت وارد جامعه شود که اذیت نشود. چون قرار است زن به عنوان کالای جنسی نیاید. زن به عنوان جنس دوم نیاید. برای همین، دلیل دومی که حجاب را مهم کرد، جریان فمینیسم بود که می خواست زن را به عنوان جنس دوم وارد جامعه کند (به خیال خودش، جنس شبیه مرد) و اسلام می گوید نه! به تعبیر دقیق شهید مطهری رحمته الله علیه، زن و مرد هر دو وارد جامع می شوند اما هر یک در مدار خود. نه اینکه زن بیاید در مدار مرد حرکت کند. این، نقد ایجابی فمینیسم است. ما همیشه نقد سلبی می کنیم. محور سوم، نظام سرمایه داری بود. نظام سرمایه داری می خواست از سرمایه جنسی زن استفاده کند. حجاب، مسیرش را می بندد. می گوید اختیار سرمایه جنسی زن با خودش است نه با تو! حق ندارید مفت از این، استفاده کنید! شما می خواهید کالایان فروش رود؛ چرا این زن باید سرمایه جنسی خود را خرج کند تا کالای صاحب شرکت فروش رود؟

دلیل چهارمی که عرض کردم انقلاب جنسی بود. این دلیلی است که اغلب مردم ما دیگر می فهمند و همیشه از این زاویه نگاه می کنند. انقلاب جنسی در جهان، فرهنگ برهنگی را ایجاد کرد و

فرهنگ برهنگی، مقدمه انقلاب جنسی برای عمل است. وقتی فرهنگ برهنگی شکل گرفت، اول روابط زن و مرد در جهان افتضاح شد، بعد، همجنسگرایی آمد و بعد، امور دیگر. این مسیری است که در غرب طی شده و می‌خواهند در ایران هم طی کنند. حجاب سدی است که نمی‌گذارد انقلاب جنسی ثمر بگیرد. این چهار دلیل موجب می‌شود حجاب نزد ما موضوعیت پیدا کند. اگر رده هشتاد و نود بود، بیاید در رده‌های اول اسلام. خب اگر اینجوری است، اگر حکومتی می‌خواهد اسلامی باشد، باید این مسأله را جدی بگیرد.

### ● حجاب اجباری یا قانونی؟

بنده از سال ۹۴ این حرف را می‌زنم. حرف جدیدی نیست. بعضی به من گفتند که موضعت عوض شده است. سال ۹۴ اولین باری که یکی از برادران روحانی تعبیر حجاب اجباری را به کار برد، همان موقع نقد کردم. مقاله ام در سایت بنده موجود است. "حجاب اجباری یا قانونی". آن‌جا از این ایده دفاع کردم. هنوز می‌گویم که این ایده مشکل ما را حل می‌کند. ایده چیست؟ بفهمیم قانون با اجبار فرق دارد. چرا تا می‌گویند قانون، ذهنمان سراغ اجبار می‌رود؟ شب‌های قبل گفتم که امشب این مطلب را توضیح می‌دهم. من طرفدار قانون حجاب هستم. حکومت در مورد حجاب وظیفه دارد، اما هر قانونی مدل اجرایش اجبار نیست. در ادبیات حقوقی می‌گویند حقوق مدنی، حقوق کیفری. قانون فقط قانون کیفری نیست. قانون مدنی هم داریم. فضای اجرای قوانین مدنی، اجبار نیست و اگر ما از اول حجاب را به مثابه قانون مدنی می‌دیدیم و به مقابله قانون مدنی اجرامی کردیم، خیلی موفق بودیم و الان هم در ناخودآگاه اغلب افراد، حجاب قانون مدنی است. من امشب، این مطلب را برای شما توضیح می‌دهم. حجاب برای کرامت زن است. پس اگر حجاب را گونه‌ای پیاده کنیم که کرامت زن تحقیر شود، خلاف مقصود عمل می‌کنیم. ما می‌خواستیم حجاب باشد تا ارزش زن بالا رود، زن بداند کنشگر مهمی در عرصه تاریخ و جامعه است. آنگاه اگر مدلی را عمل کردیم که نتیجه‌اش شد تحقیر و توهین، زن را بالا برده ایم یا پایین؟! خب داریم اشتباه می‌کنیم! همه قوانین که کیفری نیستند!

### ● اقتصاد، عرصه قوانین غیر کیفری

یک عرصه خیلی واضح برای قوانین غیر کیفری، عرصه اقتصاد است. حجاب برای عرصه فرهنگ است. بنده ابتدا از عرصه اقتصاد که ساده‌فهم‌تر است شروع می‌کنم تا برسم به عرصه حجاب که فرهنگی است. آیا اقتصاد را باید با قوانین کیفری اجرا کرد؟ در قوانین کیفری، مجری اصلی، نیروی انتظامی ذیل قوه قضاییه است. مانند دزدی یا قتل. برای قتل باید مجازات جدی باشد. همه جای جهان هم قبول دارند. نمی‌شود گفت برای قتل یا دزدی قانون نداریم. یعنی در افق قتل، دزدی، یا در نگاه اسلام در افق زنا، افق لواط، قانون کیفری داریم و عرف اجتماعی هم همراهی می‌کند. اما وقتی می‌خواهیم اقتصاد را در کشور اعمال کنیم، نیازمند قوانین اقتصادی هستیم. مجری قوانین اقتصاد کیست؟ قوه قضاییه است؟! نیروی انتظامی است؟! البته گاه برخی مواقع، مفاسد اقتصادی پیدا می‌شود که قوه قضاییه هم باید ورود پیدا کند اما محور کار، قوه قضاییه نیست. محور اقتصاد، وزارت اقتصاد است. وزارت صمت است. آیا وزارت اقتصاد و صمت با یک سلسله قوانین جلو می‌رود یا هرکاری که دلش بخواهد انجام می‌دهد؟ آیا باید لایحه بنویسد و به مجلس برسد یا هرکاری که دلش خواست انجام می‌دهد؟ اگر تورم مدیریت نشد، آیا قوه قضاییه و نیروی انتظامی باید برود و عده‌ای را بگیرد؟ متأسفانه این نگاه کیفری داشتن به عرصه کل قوانین در کشور ما بیداد می‌کند. در اقتصاد عده‌ای اینگونه نگاه می‌کنند. وقتی قیمت دلار بالا می‌رود، عده‌ای می‌گویند برو این افراد را بگیر! من نمی‌گویم عده‌ای اخلاک‌گر نیستند اما فضای مدیریت دلار، فضای بگیر و ببند نیست. فضای مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی است. البته عده‌ای فائلند که باید فضای بگیر و ببند باشد.

### ● قیمت‌گذاری در فقه

به لحاظ فقهی، احتکار مجازات دارد اما قیمت‌گذاری توسط حکومت ممنوع است. از شیخ طوسی رحمته‌الله‌علیه تا امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، اجماع فقهای شیعه این است که قیمت‌گذاری توسط حکومت حرام است. البته فقهای شیعه اختلافی دارند در این مورد که آیا در حوزه احتکار می‌شود قیمت

گذاری کرد؟ قبول دارند که می شود محتکر را به فروش کالایش مجبور کرد اما اگر محتکر را مجبور کردند کالایش را بفروشد، آیا می شود برای کالایش قیمت گذاری کرد؟ اینجا محل اختلاف فقهاست. عموم فقها می گویند نمی شود. شیخ مفید می گوید می شود. امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ در کتاب البیع خود که در نجف نوشت، متمایل به این قول است؛ در تحریرالوسیله که در ترکیه (مدت ها بعد) نوشت، از این حرف خود دست برداشت. می گوید احتیاط واجب این ایست که قیمت گذاری نکنند. حالا ما در کشور چه می کنیم؟ قیمت گذاری را وظیفه حکومتی کرده ایم. حکومت مدام در قیمت گذاری دخالت کنند. من در مصاحبه ای این مطلب را نقد کردم. با عنوان «فقدان علم عدالت» در نشریه برداشت اول منتشر شده است. خلاف رویه است! ضرر دارد! آیا حرف من، حرف نئولیبرال هاست؟ نه. حرف من، این نیست. من نمی گویم دولت نباید در قیمت گذاری دخالت کند. حضرت امیر علیه السلام در نامه ۵۳ تهج البلاغه، درباره تجار و ذوی الصناعات به مالک اشتر (فرماندار مصر) توصیه می کند. یعنی بحث کاملاً حکومتی است. می فرماید حواست باشد در میان بازاری ها، زیاد پیدا می شود کسانی که تنگ نظرند و برای پول حرص می زنند و احتکار می کنند و در معاملات قیمت را بد مستقر می کنند. حضرت می فرماید برای احتکارش، جلوی آن را بگیر. خرید و فروش باید بیع راحتی باشد و براساس عدل باشد اما اگر مانع احتکار شدی و محتکر گوش نداد، او را مجازات کن. البته در مجازات زیاده روی نکن. پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم این کار را انجام می داد. حالا بیع و شراء را چه کنیم؟ هیچ! هیچی! یعنی در اینجا با مدل قوانین کیفری وارد نشو! بیع و شراء را باید طوری مدیریت کرد که بر اساس موازین عدل صورت بگیرد. به تعبیر امروزی، وزارت اقتصاد به گونه ای مدیریت کند که مردم در روال درستی در قیمت گذاری قرار بگیرند. این مطلب به فقه شیعه منتقل شده است. محتکر را می توان مجازات کرد اما نمی توان مستقیماً قیمت گذاری کرد. منتهی چون ما یاد گرفته ایم که قانون یعنی مجازات، هم برای محتکر مجازات داریم و هم برای قیمت گذاری. خوب خلاف فقه شیعه رفتار کرده ایم و به این همه مشکل خورده ایم. پس می شود در افق قانون حرکت کرد. حالا برویم در حوزه حجاب!

## ● حجاب، قانون مدنی

حوزه حجاب تا آن جایی که می‌دائم در حوزه قوانین مدنی است. قوانین مدنی یعنی حکومت در قبال آن مسئولیت دارد. شما نمی‌توانید بگویید حکومت در حوزه اقتصاد مسئولیت ندارد! حکومت باید مواظب باشد که عدالت محقق می‌شود یا خیر. اما مدل مداخله‌اش باید مداخله غیر مستقیم باشد. حکومت فقط وزارت دادگستری و قوه قضاییه ندارد. این‌ها باید در آخرین مرحله بایستند.

برای همین، این دو آیه را ببینید. مقایسه کنید که آیا می‌گوید قانون مدنی با قانون کیفری تفاوت دارد؟ یکی آیه دوم سوره نور: ﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَلَيْهِمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ می‌گوید در مورد افراد زنا کار، هر کسی اینقدر وقیح بود و این‌گونه عمل می‌کند که چهار تا شاهد عادل می‌بینند (چون اثبات زنا نیازمند شهادت چهار شاهد عادل است)، او را در ملاً عام بیاورید و صد ضربه شلاق بزنید و دلتان هم به رحم نیاید. این می‌شود قانون کیفری!

حالا می‌رویم در مسئله حجاب. آیه ۵۹ و ۶۰ سوره احزاب را که برایتان خواندم. اول از همسران خودش بعد دختران خودش بعد زنان مؤمنین. اینجا عرض کنم که یک شبهه بیخودی هم امروزه مطرح می‌کنند که ﴿نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی فقط زن‌های آدم خوب‌ها. نخیر. کلمه مؤمن در قرآن بارها درباره‌ی کل مسلمانان (نه فقط مسلمانان خیلی مقید) به کار رفته است. مثلاً: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا﴾ این مؤمنینی که با هم می‌جنگند هر دو طرف مؤمنند (به معنای مسلمان خیلی مقید)؟ نه. مؤمنین یعنی مسلمانان. ﴿نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ یعنی زنان مسلمانان. می‌فرماید به این‌ها بگو برای حفظ کرامت خودشان و اینکه کمتر اذیت شوند، حجاب داشته باشند. بعد به آیه‌ی بعدی دقت کن.

## ● مجازات کیفری برای سه گروه خاص

﴿لَيْسَ لَمُيْتَتِهِ الْمَنَاقِبُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ ﴿مُلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا خِذُوا

وَقْتَلُوا تَقْتِيلًا﴾ آیه چه می گوید؟

آیه اول فرمود به دختران خودت، به زنان خودت بگو. از دختر پیامبر ﷺ کیم تر کسی را سراغ دارید؟ مجلس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. اول از این ها شروع کن. اول به دختر خودت، به زن خودت بگو بعد به زنان مسلمانان بگو که حجاب را رعایت کنید. این برای شما بهتر است. کریمانه صحبت کن، برای شما بهتر است که به کرامت شناخته بشوید، به عفت شناخته بشوید، به حیا شناخته بشوید که کمتر اذیت شوید. بعد آیا آیه ی بعدی می گوید اگر کسی حجاب را رعایت نکرد بگیر و او را بزن؟ خیر. ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخِذُوا وَقْتَلُوا تَقْتِيلًا﴾ سه گروه را ذکر می کند:

۱ | منافقین. منافقین چه ربطی به کسانی که حجاب را رعایت نکردند دارد؟ کسی که حجاب را رعایت نکرده، حتما منافق است؟ نه، منافقین در صدر اسلام معلوم بودند چه کسانی بودند.

۲ | دسته ی دوم ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ﴾. بروید تفسیر مجمع البیان را نگاه کنید. می گوید منظور آن مردانی است که خاتم ها را اذیت می کردند که آیه نازل شد که حجاب کنید تا مورد اذیت واقع نشوید؛ مردانی که مزاحم خاتم ها می شوند.

۳ | ﴿الْمُرْجِفُونَ﴾. مُرْجِفُونَ می دانی یعنی چه؟ ما می گویم اراجیف می بافد. به تعبیر امروزی رسانه های سلبریتی ها، آن هایی که چرت و پرت می گویند، البته نه همه ی سلبریتی ها، بعضی هایشان. آن هایی که با اراجیف بافی، اغتشاش ایجاد می کنند، فضا را مبهم می کنند.

بعد از این که لزوم حجاب را در آیه قبل بیان می کند، در این آیه می فرماید برو سراغ سه دسته. این سه دسته را اول تهدید کن. توی پیامبر ﷺ را علیه آن ها می شورانیم. سپس خیلی جرئت نمی کنند دور و بر تو بمانند، تبعید می شوند و از شهر بیرون می روند. بعد می فرماید: ﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخِذُوا وَقْتَلُوا تَقْتِيلًا﴾ می فرماید هر جا پیدایشان کردید بکشید. چه کسانی را؟ آن هایی که دارند آشوب می کنند، آن هایی که دارند با سازماندهی های پشت پرده، اغتشاش می کنند.



می گوید منافقین را مواظب باش، اراجیف گوها را مواظب باش. ﴿الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾ که تفسیر مجمع البیان را نگاه کنید می گوید آن مردانی را که مزاحمت ایجاد می کردند مواظب باش.

ما به خاتم‌ها گفتیم حجاب داشته باشند، تو برو آن آقایانی که از این کارهایشان دست بر نمی دارند، حالشان را بگیر. قوانین کیفری برای این‌ها بگذار، هیچ اشکالی ندارد. عرف بین الملل هم با شما همراهی می کند، می دانید مزاحمت برای خاتم‌ها در عرف بین الملل قانون دارد. در فرانسه و خیلی کشورهای دیگر. [آیا اگر اینجای قانون کیفری گذاشتید] اشکال دارد؟ کسی هست با شما مخالفت کند؟ خب حاج آقا اینطور که شما می گویی باید با این بی حجاب‌ها چه کار کنیم؟

### ● فرهنگ‌سازی قوانین مدنی

پاسخ من این است: قانون مدنی را چطور پیاده می کنند؟ قانون مدنی را در فضای اجتماعی، فرهنگ‌سازی می کنند. من می ترسم کلمه فرهنگ‌سازی را بگویم. می دانی چرا؟ چون در کشور ما هر وقت می خواهند کاری انجام ندهند می گویند فرهنگ‌سازی! آخر فرهنگ‌سازی متد دارد، روش دارد، کار دارد، زمان دارد، برنامه ریزی دارد. یک مثال ساده بزنم. چند وقت پیش، یک بحثی داشتم، یک سخنرانی داشتم. عنوان سخنرانی ام "مسئله‌ی حجاب و صنعت پروپاگاندا" بود. می گویی کار فرهنگی، حتما ۱۰ ساله است ۲۰ ساله است، نخیل! صنعت پروپاگاندا در غرب به ما نشان داد کار فرهنگی دو ماهه هم می شود. نمی خواهم بگویم آن کار را بکنید؛ می خواهم بگویم کسانی که تصورشان از کار فرهنگی، کار دراز مدت است، ببینند در کوتاه مدت هم می شود. با صنعت پروپاگاندا کاری می کنند آدمی که اصلا محبوبیت ندارد، در انتخابات نفر اول بشود؟ می کنند یا نمی کنند؟ با صنعت پروپاگاندا یک کاری می کنند یک مدی که اصلا حال آدم از آن به هم می خورد، ظرف یک ماه تبدیل به لباسی می شود که همه می روند آن را گران‌تر می خرند؟ کار فرهنگی است دیگر! پس در فضای فرهنگ می شود. نمی خواهم بگویم این کار را بکنید، از صنعت پروپاگاندا استفاده کنید؛ ولی می خواهم بگویم حداقل این

مسئله را برای ما حل کرد که کار فرهنگی صرفاً درآمدت نیست! کار فرهنگی باید دست متخصص برود. همانگونه که اقتصاد باید دست متخصص برود. شما اقتصاد را دست قوه قضائیه بده مشکلش را حل کند، بین می تواند حل بکند؟! نمی تواند حل کند. فرهنگ را هم به دست قوه قضائیه بده بین می توانند مشکلش را حل کند؟ خوب نمی تواند حل کند دیگر! خوب به متخصص فرهنگ بده. امروز متخصص فرهنگ چه کسی است؟ هرکس بیشتر جانماز آب بکشد، متخصص فرهنگی شده است! این که متخصص نیست. متخصص بلد است، برنامه می دهد، برنامه که به تو می دهد زمان می دهد، زمانی که می دهد باید فاز به فاز جلو برود. در اقتصاد مگر غیر از این است؟ بعد وزیر اقتصاد برنامه اش را آورد نتوانست جلو ببرد، مجلس، او را استیضاح می کند. می گوید برو کنار کس دیگری بیاید که بلد است.

مهم ترین کار فرهنگی در این عرصه چیست؟

### ● امر به معروف و نهی از منکر

بگذار از رهبر معظم انقلاب علیه السلام برایت بخوانم، این را سال ۷۲ گفته اند، اگر سال ۷۲ این کار را کرده بودیم، مشکل مان تمام بود. تحلیل من این است که مهم ترین روش استقرار حقوق مدنی در جامعه، فعال کردن ابزار امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی است. توجه کنید، تا می گویم امر به معروف و نهی از منکر دوباره ذهن ها جای اشتباه می رود.

### ● امر به معروف صحیح

شرط اول امر به معروف و نهی از منکر، حفظ کرامت مخاطب است. شهید مطهری رحمته الله علیه آیه ی امر به معروف و نهی از منکر را در کتاب ده گفتار توضیح می دهد.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

می گوید اولین شرط امر به معروف و نهی از منکر، برقراری رابطه ی ولایی است. ولایت یعنی دوستی. اصل ولایت یعنی یک احساس

سرپرستی که با دوستی توأم است. می گویند ولی بچه را بیاور مدرسه؛ ولی کیست؟ ولی آن پدر و مادری است که درست است سرپرستی آن بچه را می کند؛ اما نه در فضای کتک زدن، نه در فضای قانون، بلکه در فضای محبت و دوستی. این ولی ممکن است از هر صدبار یک بار مجبور شود یک دادی هم سر بچه اش بزند اما ولی ای که ولی خوب است، خیلی کم پیش می آید داد بزند. می گوید مؤمنون و مؤمنات اولیای هم هستند، باهم رابطه ی ولایی و دوستی دارند، محبت دارند، از روی دلسوزی سراغ آن یکی می رود. اگر از روی دلسوزی رفتی، امر به معروف و نهی از منکر چگونه می شود؟ [آیا می گویی:] آی فلان فلان شده چرا این جور کردی؟! من چند شب قبل گفتم، دوباره مثال می زدم. می خواهی یک خاتم غریبه را نهی از منکر کنی، در نظر بگیر خواهر خودت است. دخترخاله خودت، دخترعموی خودت است. همین مسئله ی حجاب را بخواهی به دخترخاله خودت هم بگویی، با چه لحنی می گویی؟ البته برخی افراد هستند کلاً با همه تند هستند، من با آنها کاری ندارم، فضای عمومی جامعه را می خواهم بگویم. دلت می خواد این با حجاب بشود دیگر، دلت نمی خواهد این روسری سرش باشد، دلت می خواهد با حجاب بشود؛ چطور نهی از منکر می کنی؟ شرط اولش حفظ کرامت مخاطب است، با احترام، با مدارا. تو چقدر خوبی، تو چقدر کریمی، تو چقدر بزرگی، تو چقدر انسانی، خاتم بی حجاب تو چقدر انسانی، حیف نیست؟ تو که اینقدر انسانی، اینقدر بزرگی، حیف نیست سرمایه جنسی ات در اختیار دیگران قرار بگیری؟ تو که می خواهی خودت را نشان بدهی می خواهی چه کسی تو را ببیند؟ آیا نشان دادن خود لزوماً بد است؟ نه لزوماً، در زیارت امین الله می خوانی، می گویی خدایا | اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ | خدایا من دلم می خواهد در زمین و آسمان من را دوست داشته باشند، دقت کنید در زمین هم مرا دوست داشته باشند نه فقط در آسمان. اما من را چه کسی دوست داشته باشد؟ آدم خوب ها یا آدم بدها؟ شهوت ران ها تو را دوست داشته باشند یا هنرمندها؟

خاتم یا آقا فرقی نمی کند، اثر هنری را که به میدان می آورد، با هنرش که خودش را نشان می دهد محبوب می شود. اثر هنری را چه

کسی خوشش می‌آید؟ آدمی که اهل هنر و زیبایی است، اما اندام جنسی را چه کسی خوشش می‌آید؟ کسی که حیا دارد نگاه نمی‌کند، کسی که بی‌حیاست خوشش می‌آید. دلت می‌خواهد محبوب بی‌حیاها بشوی؟ حیف نیست توبه این خوبی، توبه این عقیق. نمی‌گویم همه‌شان، اما خیلی از افرادی که بی‌حجابند عقیقند مخصوصاً در ایران. عفت در ایران خیلی پایه‌دار است.

بینید همین الان که اوضاع به هم ریخته، همین الان که هر کسی آزاد شده، چند درصد کامل روسری را برمی‌دارند؟ چقدر کم است. به این دلیل که مردم ما، معنای هویتی حجاب را فهمیده‌اند. شما هم فهمیدی یعنی می‌دانی یک تکه پارچه هم روی سر باشد، نماد هویتی باقی مانده. این هم یک چیزی است برای خودش. خب تو که هویت را می‌فهمی حالا بیا سرمایه جنسی را هم بفهم، کم کم این راه هم بفهم.

### ● وظیفه ستاد امر به معروف و نهی از منکر

حالا صحبت حضرت آقا ﷺ را می‌خوانم؛ خطاب به ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سال ۷۲، آن موقع رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، آقای جنتی بود. جمله را ببینید، آخرش هم خودش می‌گوید به حرف من گوش نمی‌دهید.

شما نباید «ستاد امر به معروف و نهی از منکر» باشید. باید «ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر» باشید. «ستاد امر به معروف»، یعنی این که امر به معروف در مملکت، یک جا، کار ستادی رویش می‌شود! مگر می‌شود شما چنین کاری بکنید؟! امر به معروف، مال همه‌ی مردم است. مگر می‌شود یک ستاد ده نفره بنشینند و سازماندهی ستادی امر به معروف در سطح کشور را بکنند؟! این که اصلاً امکان ندارد. شما باید یک کار دیگر را به عهده بگیرید. نخواهید مابشترتاً، امر به معروف و نهی از منکر کنید. شما باید امر به معروف را در جامعه، احیا کنید. این، آن چیزی است که من خواسته‌ام. بارها و مکرراً گفته‌ام و متأسفانه، این حرف به گوش افراد هم نمی‌رود. «مابشترتاً یعنی ورود مستقیم. یعنی ستاد امر به معروف نباید مستقیماً ورود کند. یعنی همان قانون مدنی.

موضع سوزنچی در حوزه‌ی حجاب هیچ وقت عوض نشده است. از سال ۹۴ نوشتم. در مناظره‌ای که با مهدی نصیری داشتم، همه آن طرف را

دیدند هیچ کس ندید این بنده‌ی خدا که صداوسیما آمد برای دفاع از حجاب، چه گفت؟ همان جا این حرف‌ها را زد. گفتم حجاب قانون کیفری نیست، قانون مدنی است. در همان مناظره به آقای مهدی نصیری گفتم اشتباه می‌گویی حجاب اجباری. من حجاب اجباری قبول ندارم، حجاب قانونی قبول دارم. همه‌ی این‌ها را قبلاً گفتم. موضع من عوض نشده. واقعا می‌شود مردم ما حجاب بگذارند اگر ما درست رفتار کنیم. آقا! احیای امر به معروف بکن. به افراد یاد بده نمی‌از منکر کنند. من در جمع خاتم‌ها بودم، داشتم با آن‌ها صحبت می‌کردم. گفتند آقا الان دیگر نمی‌شود نمی‌از منکر کرد. گفتم یک عده سازماندهی شده‌ها را نمی‌شود کاری کرد، آدم را می‌زنند. فعلا تنهایی کاری نکنید. اما دسته جمعی می‌توانید. گفتم بین با یک ادبیات نرم و مهربانانه؛ یک شکلات جیبت بگذار، گل دستت بگیر. یک خاتم بی حجاب که می‌بینی یک هدیه به او بده، بگو خاتم تو خیلی خوبی، خیلی دوستت دارم، حیف نیست این طور به خیابان آمدی؟ بگو ورد شو. خود مقام معظم رهبری این توصیه را کرده، گفته در نمی‌از منکر تذکر لسانی بده ورد شو. پوشید، پوشید، هم پوشید، هم پوشید، کاری نداشته باش.

قانون مدنی یعنی چه؟ یعنی قانون حجاب را کلابیخیال بشویم؟ نه. راه دارد. برای خود افراد یک کارهایی وجود دارد، وزارت خانه‌ها باید کارهایی بکنند. وزارت فرهنگ باید کاری بکند.

dress code را جست‌وجو کن، در کل جهان وجود دارد. اگر در ویکی‌پدیا خواندی انگلیسی‌اش را بخوان. فارسی‌اش (با عنوان دستورالعمل‌های پوشش)، خیلی ضعیف است، اطلاعات نمی‌دهد. اگر انگلیسی بلد نیستی با کروم باز کن، کلیک راست کن بزن ترجمه، ترجمه فارسی. برو بخوان. بین dress code در جهان چیست. قانون حجاب در کشورهای مختلف در فضای حقوق مدنی است. قوانین آمریکا را مفصل آورده است. یعنی می‌شود قانون داشت. همه جای جهان هم دارد. قانون مدنی را بفهم که چطور باید برخورد کنی. اینطور کار کن مردم هم علیه تو موضع نمی‌گیرند.

· اجلسہ چھانڈا ·

بارگیری فایل صوتی جلسہ



| اسکن کنید |



هَيَاتِ مِيثَاقِ بَا شُحُكَلَا اِفَاطَمَتَيْهٖ اَوَّل | ١٢ الى ١٥ اذرمهه ١٤٠١





کوچہ پر فلیٹ ہاؤسوں کی تعمیر





بیامیزان شما